



# راهکار رشد ارز آوری صنایع معدنی



## سیاست پولی در پساماشه

با این حال، شواهد تجربی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که این رابطه به‌طور کامل برقرار نیست و پیش‌بینی...

صفحه ۲

## تحریم بدتر از بمب است

وزیر راه‌وشهرسازی، جنگ ۱۲ روزه و تحریم‌ها را «مصدق بارز خسونت‌ناهی» شهر وندان «عنوان»...

صفحه ۴

## کانال حفظ شرکای تجاری

به نظر می‌رسد ممنوعیت‌ها در حوزه کشتیرانی، بیمه و مبادلات مالی بین‌المللی...

صفحه ۶

# راهکار رشد ارز آوری صنایع معدنی

کریم حسن پور - صادرات بخش معدن و صنایع معدنی در سال ۱۴۰۳، سهم بیش از ۲۴ درصدی و در نیمه نخست امسال سهم بیش از ۲۷ درصدی از مجموع صادرات غیر نفتی کشور را به خود اختصاص داده است.

اعداد و ارقام یاد شده حکایت از اهمیت و اثرگذاری معادن و صنایع معدنی در فرایند ارز آوری برای کشور دارد. در همین حال فعالان بخش معدن و صنایع معدنی زیاد می‌توانند در همین شرایط اصلاحی محدود ولی مهم را به‌وجود آورند، مانند یکپارچه کردن بودجه کشور، می‌تواند هزینه‌های متعددی را که در کشور وجود دارند، تماماً تحت حاکمیت یک بودجه درآورد. این امر به خارج از کشور ربطی ندارد و تحریم‌ها مانعی بسزای آن نخواهند بود و بسیار کمک می‌کند تا سازمان‌دهی مالی مملکت بهبود پیدا کند و تخصیص منابع بهتر انجام شود.

در حالی که مجموع ارزش صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۴۰۳ برابر ۵۷ میلیارد و ۴۴ میلیون دلار برآورد شده، ارزش صادرات بخش معدن و صنایع معدنی در این سال حدود ۱۴ میلیارد دلار گزارش شده است. بنابراین صادرات بخش معدن و صنایع معدنی از ۲۴ درصدی از مجموع صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده است. این سهم حکایت از اهمیت و اثرگذاری بخش معدن و صنایع معدنی در صادرات و تجارت اشتغال در کشور دارد. در ادامه باید تاکید کرد بررسی آمار تجارت خارجی در بخش معدن و صنایع معدنی حکایت از آن دارد که ارزش صادرات این بخش طی نیمه نخست ۱۴۰۴، بیش از ۷ میلیارد دلار بود. از ابتدای فروردین تا پایان شهریور امسال، ۲۸ میلیون و ۵۲۲ هزار و ۷۵۷ تن انواع محصولات بخش معدن و صنایع معدنی به ارزش ۷ میلیارد و ۱۰۷ میلیون دلار صادر شد. این ارقام در قیاس با مدت مشابه سال گذشته ۱۴۰۳، افزایش حدود ۲۴ درصدی تناژ و ۱۰ درصدی ارزش صادرات را به ثبت رسانده است. بیشترین صادرات نیمه نخست ۱۴۰۴ مربوط به زنجیره تولید ۳ محصول شامل فولاد، آلومینیوم و مس به میزان ۲۳ میلیون و ۲۰ هزار تن و ارزش ۴۶۵ میلیون دلار بود که در مقایسه با صادرات مدت مشابه سال گذشته از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب ۴۵ و ۱۲ درصد رشد داشت.

در همین حال باید خاطر نشان کرد که در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۴، صادرات زنجیره فولاد ایران با رشد چشم‌گیر ۲۶ درصدی در ارزش و حدود ۴۵ درصدی در وزن نسبت به دوره مشابه سال گذشته همراه بود. بر اساس آمار رسمی، ارزش کل صادرات آهن و فولاد در این مدت به حدود ۴ میلیارد دلار رسیده است. بنابراین باید این‌طور ادعا کرد که صادرات زنجیره فولاد کشور در نیمه نخست امسال، سهم بیش از ۵۷ درصدی را به خود اختصاص داده است. همچنین باید گفت مجموع ارزش صادرات غیرنفتی کشور در ۶ ماه نخست امسال برابر ۲۵ میلیارد و ۹۴۴ دلار برآورد شده است. یعنی سهم بخش معدن و صنایع معدنی از مجموع صادرات غیرنفتی کشور در این دوره بیش از ۲۷ درصد و هم‌زمان سهم صادرات زنجیره فولاد از مجموع صادرات کشور نیز بیش از ۱۵ درصد برآورد می‌شود. این آمار و ارقام حکایت از جایگاه استراتژیک بخش معدن و صنایع معدنی در حوزه صادرات غیرنفتی کشور دارد.

در ادامه امسال آمار جزئی‌تر حکایت از آن دارد که فروش محصولات معدن و صنایع معدنی به‌خصوص در زنجیره فولاد کشور در ماه‌های اخیر همچنان رو به رشد بوده است. حال این سوال مهم مطرح می‌شود که با توجه به محدودیت‌های بخش معدن و صنایع معدنی در حوزه صادرات، آیا معادن و صنایع معدنی از قابلیت لازم برای ارتقای صادرات

و جبران محدودیت‌های پیش روی صادرات نفت کشور برخوردار هستند؟ سناریو رشد صادرات محصولات معدنی و صنایع معدنی را از چند جنبه می‌توان بررسی کرد. در درجه نخست آن که این روند رشد صادرات را باید از منظر صنایع مهم و ارزآور این بخش یعنی زنجیره فولاد، آلومینیوم و مس بررسی کرد. در ادامه می‌توان پتانسیل‌های صادراتی در سایر بخش‌های معدنی و صنایع معدنی در دو بخش فلزی و غیرفلزی را هم مورد ارزیابی قرار داد.

## الزامات حضور موفق در بازار جهانی

عزیز قنوتی فعال صنعت فولاد در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی ظرفیت‌های صادراتی معدن و صنایع معدنی گفت: از گذشته تاکنون مساله جایگزینی صادرات صنایع فولاد و پتروشیمی به‌جای نفت مورد توجه سیاستگذار بوده است. ظرفیت‌های معدنی موجود در حوزه سنگ آهن، ظرفیت توسعه تجارت صنعت فولاد را به‌مراتب بیشتر از صنایع پتروشیمی مورد توجه قرار داده است. تمامی زنجیره تولید فولاد از معدن تا تولید محصولات نهایی مختلف در کشور ما وجود دارد. با این‌وجود ارتقای تجارت در این بخش نیازمند اصلاح و بهبود قوانین و مقررات داخلی صادراتی و همچنین جلوگیری از صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه است. در همین حال انتظار می‌رود قبل از صدور هر بخشنامه، سیاستگذار با انجمن‌ها و تشکل‌های فولادی مشورت کند تا از تصویب مقررات ناکارآمد در این بخش جلوگیری به عمل آید.

وی افزود: با توجه به آنکه بخشی از نیازهای صنعت فولاد برای تولید از طریق واردات تأمین می‌شود، چنانچه ارتقای تجارت این بخش مورد تاکید دولت است، باید نسبت به تأمین نیازهای وارداتی این بخش حساس باشد. قنوتی با اشاره به ضرورت تدوین اصلاح سیاست‌های ارزی گفت: الزام به پیمان‌سیاری ارز ارز در سال‌های گذشته مانع بزرگی در مسیر تجارت شفاف و آشکار بوده است. چنانچه فولادسازان ارز مجبور به پیمان‌سیاری نباشند، امکان توسعه صادرات از محل زنجیره فولاد مهیا خواهد شد.

این فعال صنعت فولاد گفت: در حال حاضر تحت‌تأثیر اصلاح سیاست‌های ارزی، تأمین سرمایه در گردش واحدهای فعال در زنجیره فولاد کشور دشوار شده است. بنابراین چنانچه سیاستگذار به دنبال ارتقای صادرات این بخش است، باید از تولید حمایت کند. پرداخت تسهیلات با نرخ بهره منطقی یکی از مهم‌ترین راهکارهایی است که به ارتقای تولید و تجارت در این بخش منتهی می‌شود. در همین حال باید مساله ورود خطوط جدید تولید و بازسازی ماشین‌آلات نیز در دستور کار گیرد تا امکان تولید محصولات متناسب با کیفیت موردنظر در سطح بین‌المللی فراهم شود. قنوتی گفت: در شرایط تشدید تحریم‌های اعمالی علیه اقتصاد ایران، هزینه انتقال محصولات فولادی به مقاصد صادراتی بیشتر شده است. بازگشت ارز حاصل از صادرات نیز گران‌تر تمام می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود در داخل به تسهیلاتی در بخش مالیات و بیمه اندیشیده شود تا ارتقای صادرات حاصل شود.

وی افزود: در همین حال انتظار می‌رود صادرات به حلقه‌های انتهایی زنجیره فولاد منتقل شود تا از یک‌سوی فرصت‌های شغلی متعددی در کشور حاصل و از سوی دیگر ارزش افزوده بیشتری ایجاد شود. توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که در کشور ما توان تولید بسیاری از محصولات نهایی فولادی از جمله فولادهای آلیاژی وجود دارد. در نتیجه چنانچه قرار بر ارتقای صادرات باشد، می‌توانیم این توان را تقویت کنیم.



## شاخص در یک قدمی ۳ میلیونی



## کشف بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی



## صادق: این استقلال ساینتونیست!

به‌خصوص آنکه ظرفیت تولید در صنعت فولادسازی کشور حدود ۵۰ میلیون تن برآورد می‌شود و امکان ارتقای تولید و صادرات وجود دارد. این فعال صنعت فولاد گفت: کیفیت تولید محصولات فولادی ما به قدری بالا است که این محصولات حتی روانه بازارهای اروپایی هم می‌شوند؛ هر چند که به سبب شرایط تحریمی این صادرات به شکل مستقیم انجام نمی‌شود. وی افزود: طرح جامع فولاد در سالیان گذشته نوشته شده و حتی مورد بازبینی قرار گرفته است. با این‌وجود انتظار می‌رفت اهداف تولیدی و تجاری در این سند مجدداً متناسب با شرایط روز مورد بازبینی قرار گیرد.

## بی‌مهری به صنایع معدنی

هوشنگ گودرزی فعال صنعت آلومینیوم در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی فرصت‌های پیش روی تجارت بخش معدن و صنایع معدنی با تاکید بر صادرات آلومینیوم گفت: در طول دهه‌های اخیر توسعه صنایع معدنی به دلایل مختلفی از جمله جلوگیری از خام‌فروشی انرژی انجام گرفت. در واقع انتظار می‌رفت فعالیت در حوزه معدن و صنایع معدنی جایگزین فروش انرژی شود و هم‌زمان شاهد ارتقای اشتغال‌زایی و ارزآوری نیز باشیم. وی افزود: با وجود هدف‌گذاری‌های انجام‌شده در حوزه صادرات معادن و صنایع معدنی، در عمل هیچ‌گاه به ظرفیت‌های این بخش توجه کافی نشده است. در واقع تنها با دشوار شدن صادرات نفت ایران، برای دوره‌ای فروش محصولات معدنی و صنایع وابسته به آن در بازار جهانی با هدف جبران کمبودها، مورد توجه قرار می‌گیرد. بی‌مهری به توسعه صادرات مواد معدنی و صنایع معدنی در حالی است که این بخش از ظرفیت خوبی برای تولید و تجارت برخوردار است.

گودرزی گفت: در طول سال‌های گذشته بسیاری از تولیدکنندگان صنایع معدنی ناچار بوده‌اند مواد اولیه خود را در بازار آزاد با احتساب نرخ دراز آزاد خریداری و محصول نهایی را تولید کنند. در ادامه این صنعتگران موظف به بازگشت ارز حاصل از صادرات خود با قیمت ارز پایین‌تر از نرخ بازار بوده‌اند. همین سیاست نیز به کاهش صادرات صنایع معدنی منتهی شده است. در واقع از ظرفیت‌های تجاری این بخش به خوبی بهره گرفته نشده است. در همین حال شاهد صادرات از مبادی غیررسمی بوده‌ایم. با اصلاح سیاست‌های ارزی در هفته‌های اخیر و تدوین آن انتظار می‌رود شاهد اصلاح مسیر صادرات صنایع معدنی باشیم. در واقع از اصلاح سیاست‌های ناکارآمد پیمان‌سیاری ارزی باید به‌عنوان مهم‌ترین مشوق صادراتی نام برد.

وی درباره ظرفیت‌های صادراتی در زنجیره تولید آلومینیوم و محصولات آلومینیومی کشور گفت: برخلاف بسیاری از صنایع معدنی، ایران به قدر کافی از ظرفیت معدنی برای تولید آلومینیوم برخوردار نیست. در واقع این صنعت در ایران همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس با تکیه بر مزیت انرژی به‌خصوص گاز احداث شده و توسعه‌یافته است. در حال حاضر نیز تنها ۲۰ درصد از مواد اولیه تولید شمش آلومینیوم از داخل تأمین و مابقی آن از جمله اومینا، پترولیوم کک و... در قالب معاملات تهاتری وارد می‌شود. در ادامه صنعتگران موظفند بخشی از شمش آلومینیوم تولیدی خود را در ازای واردات مواد اولیه صادر کنند.

وی با اشاره به ظرفیت صادرات محصولات آلومینیومی گفت: ایران از پتانسیل لازم برای صادرات محصولاتی همچون سیم و برق، پراک‌آلات، ظروف آلومینیومی، پروفیل در و پنجره و نما، شمش آلیاژی و همچنین قطعات دایکستی آلومینیومی برخوردار است. البته صادرات محصولات یاد شده تحت‌تأثیر سیاست‌های ارزی ناکارآمد دولت و بانک مرکزی به شدت محدود شده است. در گذشته این محصولات به کشورهای عراق، افغانستان، کشورهای آسی‌اس و... صادر می‌شدند. بنابراین در صورت اصلاح سیاست‌های ناکارآمد تجاری ما توان بازگشت دوباره به بازارهای بین‌المللی را خواهیم داشت. البته در حال حاضر تحت‌تأثیر شرایط تحریمی حضور ما در بازار جهانی دشوار شده است، اما همچنان فرصت برای ارتقای تجارت صنایع آلومینیومی باقی مانده است.

سعید صمدی فعال صنعت زغال‌سنگ در گفت‌وگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» در ارزیابی ظرفیت‌های صادراتی کشور در بخش معادن غیرفلزی از جمله در حوزه زغال‌سنگ گفت: در طول سال‌های گذشته بارها از ظرفیت‌های صادراتی بخش معدن و صنایع وابسته به آن سخن به میان آمده است. بدون تردید کشور ما از توان قابل‌توجهی برای توسعه ظرفیت‌های معدنی و صادرات هرچه بیشتر برخوردار است. اما تکیه بر این ظرفیت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت است. یعنی نمی‌توان هرچا در صادرات و ارزآوری کشور با چالش مواجه شدیم، به‌گزینه صادرات معدنی فکر کنیم، بلکه انتظار می‌رود این رشد با برنامه‌ریزی همراه باشد.



اصلاحات اقتصادی ممکن است؟  
دکتر محمد مهدی بهکیش  
اقتصاددان

مکانیسم ماشه قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران بازگرداند که با توافق برجام در سال ۱۳۹۴ معلق شده بود. بازگشت تحریم‌های سازمان ملل باری بر تحریم‌های آمریکا اضافه کرد؛ در حالی که بسیاری فکر می‌کنند که چون تحریم‌های آمریکا اعم از تحریم‌های اولیه و ثانویه آن برای مدتی علیه ایران فعال بوده، بنابراین تحریم‌های شورای امنیت تأثیر چندانی نخواهند داشت؛ زیرا بر اساس تحریم‌های ثانویه آمریکا اگر کشوری تحریم‌های آمریکا را اجرا نمی‌کند، از فعالیت در بازار آمریکا محروم می‌شود و بنابراین بسیاری از بانک‌ها در دنیا وجود داشتند و دارند که کاری بسا بازار آمریکا ندارند و به راحتی می‌توانند با وجود تحریم‌های آمریکا با ایران کار کنند، مثل پالایشگاه‌های کوچک در چین که نفت ایران را می‌خریدند و هنوز می‌خرند؛ زیرا آنان فعالیتی در بازار آمریکا ندارند که مورد جرمه آمریکایی‌ها قرار گیرند.

تحریم‌های شورای امنیت این چنین نیست. تمام کشورهای عضو سازمان ملل هستند موظفند که تحریم‌های مصوب شورای امنیت را اجرا کنند و البته این بحث وجود دارد که اگر اجرا نکنند، چه می‌شود؛ زیرا سازمان ملل قدرت اجرایی جدی برای تنبیه مستقیم ندارد. این برداشت درستی از مقررات سازمان ملل نیست. در داخل سازمان ملل برای کشورهای که از تحریم‌های مصوب شورای امنیت متابعت نمی‌کنند، فضا سخت‌تر می‌شود و فعالیتشان در داخل سازمان ملل محدود می‌شود و ممکن است مجازات‌هایی تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل مشمول حال آنان شود.

به‌خصوص وقتی که تنبیهی به‌دلیل سرپیچی از نادره گرفتن فصل هفتم باشد که متأسفانه ایران هم در ذیل این فصل قرار دارد. درست است که هیچ‌گاه ماده ۴۲ فصل ۷ در مورد ایران اجرایی نشد که نیاز به حمله نظامی را تأیید کند، ولی ماده ۴۱ خود تحریم‌های گسترده‌ای را توصیه کرده و اجرایی شده و بنابراین کشوری که در ذیل فصل هفتم قرار دارد، برای صلح جهانی خطرناک قلمداد می‌شود. در شرایط فعلی بسیار دشوار خواهد بود که هر یک از این قطعه‌ها را مجدداً معلق کنیم؛ بنابراین کشور بار سنگینی را در آینده بر دوش خواهد کشید.

مشکلات گسترده تحریم‌های جدید به علاوه تحریم‌های آمریکا و اروپا کاملاً در حیطه مسوولان سیاسی است و روابط بین‌الملل کشور را بیش از گذشته تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و متأسفانه فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند مورد تهدید بیشتر قرار گیرد؛ بنابراین تجارت و صنعت را با مشکلات جدی مواجه کند. برای رفع این مشکلات در درجه اول باید راه‌حل را در بستر سیاسی یکپارگی کرد؛ البته برای پیشبرد مذاکرات سیاسی می‌توان از ابزار اقتصادی استفاده فراوان کرد؛ اما بهبود شرایط کشور در گرو تصمیمات سیاسی است.

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا در این فاصله می‌توان تحولی در داخل کشور به‌وجود آورد، جواب مثبت است؛ با محدودیت زیاد می‌توان در همین شرایط اصلاحی محدود ولی مهم را به‌وجود آورد، مانند یکپارچه کردن بودجه کشور، می‌تواند هزینه‌های متعددی را که در کشور وجود دارند، تماماً تحت حاکمیت یک بودجه درآورد. این امر به خارج از کشور ربطی ندارد و تحریم‌ها مانعی بسزای آن نخواهند بود و بسیار کمک می‌کند تا سازمان‌دهی مالی مملکت بهبود پیدا کند و تخصیص منابع بهتر انجام شود.

مطالعات شفاف‌تری از دلشتمها و نداشتن‌های کشور در اختیار قوه مجریه قرار گیرد و تصمیم‌گیری‌ها را بهبود بخشد یا می‌توان سازمان‌های موازی را در هم ادغام کرد و به دنبال آن در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرد. نباید بتوان مقداری از کسر بودجه را هم کاهش داد، با وجود اینکه با کمبودهایی که از این پس به‌وجود خواهد آمد بودجه کشور تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت و احتمالاً زایش نقدینگی سریع‌تر خواهد شد. اگر بودجه‌های متفاوت به یک بودجه تبدیل نشود، ممکن است قدری از سرعت افزایش نقدینگی جلوگیری کند و در نتیجه تورم رشد کمتری خواهد داشت و مردم کمتر تحت فشار قرار خواهند گرفت.

همچنین می‌توان در این اثنا بازنگری در قوانین مزاحم برای فعال شدن اقتصاد را در دستور کار قرار داد یا سامانه‌های پرانگه را که مشکلات عدیده برای کارآفرین‌ها به‌وجود آورده است، هماهنگ کرد و در این میان استقلال دانشگاه‌ها را به آنان بازگرداند تا بستر رشد علمی روان شود یا مهم‌تر از همه قوانین مزاحم کسب‌وکار را شناسایی و تصحیح کرد و آخرین موضوع تکنرخی کردن ارز که بسیار مهم و تأثیرگذار است و مورد تأیید کارشناسان است. توجه داشته باشیم که تکنرخی کردن ارز موقله‌ای جدا از استقرار یک نرخ در بازار ارز است. نرخ واحد از زمانی می‌تواند استعمر باید که عرضه و تقاضای ارز آزاد شود، یعنی ارز به صورت آزاد در بازار عرضه و تقاضا شود. به عبارت دیگر زمانی تک‌نرخ کردن ارز تحقق می‌یابد که عرضه‌کنندگان ارز و تقاضاکنندگان ارز هر دو از اندازه در بازار فعالیت کنند و بانک مرکزی سیاست‌های خود را از طریق ابزارهای قانونی در اختیار، چون عملیات بازار باز اعمال کند؛ یعنی قیمت‌گذاری نکند و البته دولت در عرضه ارز نفت نیز به همین ترتیب عمل کند.

در این صورت در بازار نرخی تعیین خواهد شد که بهینه خواهد بود و بهترین تخصیص منابع را خواهد داشت؛ ولی اگر ارز در انحصار دولت باشد و دولت بخواهد قیمت‌گذاری کند که هم‌اکنون می‌کند و به بازار ارز اجازه فعالیت ندهد، تکنرخی کردن امکان‌پذیر نخواهد بود. تکنرخی کردن بدون ایجاد بازار رقابتی ارز پایدار نمی‌ماند. به علاوه جامعه نمی‌تواند افزایش نرخ ارز را برای کالاهای اساسی، دارو و حمل‌کشی قبل از آنکه درآمدهای خاتوارها افزایش یابد. بنابراین قبل از تکنرخی شدن لازم است درهای تجارت و صنعت و خدمات باز شوند تا درآمد افراد افزایش یابد و آن‌گاه می‌توان به تدریج ارز را تک نرخی کرد. در غیر این صورت، جامعه با بحران‌های غیر قابل کنترلی مواجه می‌شود.

# دراقتصاد

**دوشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۴** • شماره ۸۵۹ **www.marzeghtesad.ir**

#### ▼ اعلام فهرست خودروهای وارداتی

#### مجاز برای خارج‌نشینان

وزارت صمت در حالی روز گذشته فهرست نهایی خودروهای مجاز برای واردات خارج‌نشینان را اعلام کرد که به نظر می‌رسد سامانه ثبت‌سفارش برای ورود خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج به زودی فعال می‌شود.

دفتر مقررات صادرات و واردات وزارت صمت با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس مرکز نوآوری، هوشمندسازی و امنیت، فهرست رسمی و تفصیلی برندها و مدل‌های مجاز برای ثبت‌سفارش توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور را اعلام کرد. هدف از ارسال این نامه، اجرای آیین‌نامه وهدت واردات خودروهای سواری در سال ۱۴۰۴ است.

در فهرست خودروهای مجاز اسامی برندهایی از قبیل مرسدس بنز، بی‌ام‌و، فولکس واگن، آئودی، کیا، هوندا، سیتروئن، پژو، نیسان، اشکودا، کوپر، بی‌وای‌دی، ام‌جی، چانگان، هیوندای، تویوتا، لکسوس، رنو، مزدا و داجیا (Dacia) دیده می‌شود. در این بین، نگاهی به فهرست برندهای مجاز برای واردات توسط خارج‌نشینان نشان می‌دهد که بیشتر برندهای مجاز برای ورود این افراد، همان برندهایی است که از سوی شرکت‌های واردکننده به کشور ورود کرده‌اند. در نتیجه گرانای از وضعیت نامعلوم خدمات پس از فروش آنها که پیش‌تر در سال جاری به کرات شنیده شده بود، برطرف خواهد شد.

آنچه مشخص است آیین‌نامه اجرایی واردات خودرو برای اوم در ۲۹ مرداد ماه به تصویب هیات وزیران رسید اما وضعیت واردات توسط خارج‌نشینان تعیین تکلیف نشده بود تا اینکه در اواسط شهریورماه سازوکار این فرآیند با ارسال ابلاغیه‌ای به سازمان گمرک ایران مشخص شد. فرآیندی که در برگیرنده هشت آیتم است و جزئیات آن نشان می‌دهد که امکان واردات خودرو برای ایرانیان مقیم خارج بدون نیاز به انتقال ارز فراهم است، بنابراین حالا مشمولان واردات برندهای اعلام شده تنها در انتظار باز شدن سامانه ثبت‌سفارش هستند.

افزون بر این، ابلاغیه مدل‌ها و برندهای قابل ثبت‌سفارش توسط خارج‌نشینان، مشمول آیین‌نامه اجرایی بند «ر» تبصره یک ماده واحد قانون بودجه سال جاری می‌شود که بر اساس آن ایرانیان خارج از کشور دارای تابعیت ایرانی و دارای اقامت خارج از کشور با حداقل سن ۱۸ سال تمام وافرادی که اقامت آنها تا تاریخ ابلاغ مصوبه یعنی ۲۱ خردادماه ۱۴۰۴ در خارج از کشور شروع شده باشد، مشمول این مصوبه می‌شوند. تشخیص این امر هم بر عهده وزارت امور خارجه گذاشته شده و این افراد حداقل یک روز در سال ۱۴۰۴ باید در کشور خارجی که اقامت دارند، سامانه ثبت‌سفارش باشند.

همچنین مأموران ثابت تمامی دستگاه‌های لشگری و کشوری خارج از کشور تا تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۴۰۴ به تشخیص وزارت امور خارجه مشمول این موضوع می‌شوند. جزئیات دیگر این ابلاغیه نشان می‌دهد که ثبت‌سفارش از این محل تا تاریخ ۲۹ اسفند امسال امکان‌پذیر است. سازوکار ثبت‌سفارش خودروهای خریداری شده بعد از تاریخ مصوبه به‌جز مأموران دولتی از محل حساب ارزی خود و دیگران پس از هماهنگی با بانک مرکزی انجام خواهد گرفت. همچنین ثبت‌سفارش خودروی سواری نو و کارکرده حداکثر تا پنج سال ساخت امکان‌پذیر است. تعداد واردات خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج نیز صرفا یک خودرو است.

بررسی دیگر بندهای ابلاغیه هم حاکی از این است که فرآیند درخواست اشخاص مشمول در سامانه وزارت امور خارجه انجام شده و در زمان ثبت‌سفارش به صورت سیستمی توسط سامانه جامع تجارت از سامانه وزارت خارجه استعلام خواهد شد.

▼ **پیشنهاد سه‌گانه برای نجات صنعت خودرو**
در ایین نامه که به امضای مدیرعامل یکی از مهم‌ترین خودروسازان بخش خصوصی رسیده، تاکید شده است که سیاست‌های فعلی نه تنها موجب زیان تولیدکنندگان شده بلکه مصرف‌کنندگان نیز از منافع قابل واقعی در بازار بی‌بهره مانده‌اند. وی در این نامه با اشاره به نقش صنعت خودرو در اشتغال و تولید ملی در شرایط تحریم، خواستار تصمیمات فوری و اصلاحی برای جلوگیری از «ورشکستگی خودروسازان» و «زیان مصرف‌کنندگان» شده است.
در بخشی از این نامه تاکید شده است که ورود شورای رقابت از بهمن ۱۴۰۱ به حوزه قیمت‌گذاری خودرو، نه تنها منجر به رفع انحصار نشده بلکه به گفته وی، «انحصار دو خودروساز بزرگ دولتی را تقویت و وضعیت مالی سایر خودروسازان را وخیم‌تر کرده است».
مدیرعامل کرمان‌موتور هشدار داده ادامه این روند می‌تواند صنعت خودرو را به سرنوشت بخش‌های زیرساختی مانند برق و آب، یعنی رکود و فقدان سرمایه‌گذاری، دچار کند.
سلمان فیروزی در ادامه یکی از چالش‌های فعلی را توقف واردات خودرو به‌دلیل «شتباه فاش» در قانون بودجه ۱۴۰۴ دانسته است. به گفته وی، تعیین تعرفه ۱۰۰ درصدی برای همه انواع خودرو بدون توجه به نوع قوای محرکه و در حجم موتور موجب توقف کامل روند واردات در ماه‌های اخیر شده است. این در حالی است که در سال گذشته حدود ۶۰ هزار دستگاه خودرو وارد کشور شده بود. وی تاکید کرده این خطای قانونی نه تنها مانع تأمین نیاز مصرف‌کنندگان شده، بلکه درآمد پیش‌بینی‌شده دولت در بودجه را نیز غیرقابل تحقق کرده است.



# سیاست پولی در پساماشه

◀ **مریم لطفی** در سال‌های اخیر، کارشناسان انتقاداتی نسبت به کار آیی نظریه برابری قدرت خرید در پیش‌بینی نرخ ارز داشته‌اند. این نظریه بر این اصل استوار است که نرخ ارز باید متناسب با تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها میان کشورها تغییر کند تا در بلندمدت، ارزش پول ملی به تعادل برسد.

با این حال، شواهد تجربی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که این رابطه به‌طور کامل برقرار نیست و پیش‌بینی نرخ ارز بر اساس آن با واقعیت‌های بازار ارز فاصله دارد. علت اصلی این ناهماهنگی، نبود شرایط و قیود لازم برای تحقق این نظریه در اقتصاد ایران است. برابری قدرت خرید در ذات خود مفهومی بلندمدت دارد زیرا در کوتاه‌مدت، قیمت‌ها عمدتاً تحت تأثیر، شوک‌های سیاسی و نااطمینانی‌ها تغییر می‌کنند.

افزون بر این، این نظریه بر مبادلات تجاری میان کشورها مبتنی است و ارتباطی با تحولات حساب سرمایه ندارد؛ درحالی‌که در ایران به دلیل ریسک‌های سیاسی جریان‌های سرمایه و خروج ارز نقش مهمی در تعیین نرخ ارز ایفا می‌کنند. در نهایت، این نظریه تنها سمت تقاضای ارز را مورد توجه قرار می‌دهد، درحالی‌که کاهش عرضه ارز تحت تأثیر تحریم‌ها و محدودیت در صادرات نفت از عوامل اصلی افزایش نرخ ارز در سال‌های اخیر به شمار می‌رود.

عدد شاخص قیمت مصرف‌کننده در فروردین ماه سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۰۹ بوده است. این عدد در شهریورماه سال ۱۴۰۴ به ۳۸۴۶ رسید. به عبارتی در این بازه زمانی ۳۵ برابر شده است. همچنین نرخ ارز در آخرین روز فروردین سال ۱۳۹۰ برابر با یک هزار و ۱۲۲ تومان بوده است. این در حالی است که در روز ۳۱ شهریور ماه سال

تیبیین نرخ ارز از منظر نظریه برابری قدرت خرید

نظریه برابری قدرت خرید رابطه میان سطح عمومی قیمت‌ها در کشورهای مختلف و نرخ ارز را توضیح می‌دهد. بر اساس این نظریه، در شرایطی که بازارها آزاد و بدون موانع تجاری فعالیت کنند، ارزش پول هر کشور باید به گونه‌ای تعیین شود که قدرت خرید آن در داخل و خارج از کشور برابر باشد. به بیان ساده‌تر، یک واحد پول ملی باید قادر باشد در هر کشور همان میزان کالا و خدمات را خریداری کند که معادل ارزی آن در کشور دیگر قابل خرید است. در این چارچوب، کالای مشابه نمی‌تواند در دو کشور قیمت متفاوتی داشته باشد؛ زیرا هرگونه اختلاف قیمت انگیزه‌ای برای تاجران و بازرگانان ایجاد می‌کند تا کالا را از کشوری با قیمت پایین‌تر خریداری کرده و در کشوری با قیمت بالاتر بفروشند.

این روند، تا زمانی ادامه می‌یابد که قیمت‌ها، با در نظر گرفتن نرخ ارز، به تعادل برسند. از منظر نظری، چنانچه سطح عمومی قیمت‌ها در داخل کشور سریع‌تر از سایر کشورها افزایش یابد، به معنای تورم بالاتر داخلی است و ارزش پول ملی باید کاهش یابد تا نرخ ارز تفاوت تورم را جبران کند. به عبارت دیگر، افزایش قیمت‌ها در داخل کشور موجب تضعیف پول ملی می‌شود، زیرا برای خرید همان مقدار کالا در خارج از کشور به واحدهای بیشتری از پول داخلی نیاز است. برعکس، اگر تورم داخلی کمتر از تورم خارجی باشد، پول ملی تمایل به تقویت خواهد داشت. برابری قدرت خرید معمولاً به دو شکل مطلق و نسبی بررسی می‌شود. برابری مطلق بیان می‌کند که نرخ ارز میان دو کشور باید به گونه‌ای تعیین شود که یک سبد کالا در هر دو کشور دقیقاً قیمت یکسانی داشته باشد. اما در عمل، به دلیل وجود هزینه‌های حمل‌ونقل، تعرفه‌ها و تفاوت در ترکیب کالاها، برابری مطلق به‌ندرت تحقق می‌یابد. بنابراین، اقتصاددانان اغلب بر مفهوم برابری نسبی قدرت خرید تمرکز دارند که تغییرات نرخ ارز را متناسب با تفاوت نرخ تورم میان کشورها تبیین می‌کند.

**سه شرط کلیدی نظریه برابری قدرت خرید**

نظریه برابری قدرت خرید از مهم‌ترین مبانی نظری در تبیین نرخ ارز به شمار می‌رود. این نظریه بیان می‌کند که در بلندمدت، نرخ ارز میان دو کشور باید به گونه‌ای تنظیم شود که قدرت خرید پول‌های ملی در برابر یکدیگر برابر شود. به عبارت دیگر، نرخ ارز باید بازتابی از تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها در دو کشور باشد؛ گونه‌ای که یک سبد کالا در هر دو کشور، با تبدیل پول‌ها بر اساس نرخ ارز، ارزش یکسانی پیدا کند. با این حال، تحقق چنین رابطه‌ای نیازمند وجود مجموعه‌ای از شرایط است که بدون آن‌ها، برابری قدرت خرید نمی‌تواند مبنای دقیقی برای پیش‌بینی نرخ ارز باشد.

برای همسویی نرخ ارز با نظریه برابری قدرت خرید، تحقق سه شرط اساسی ضرورت دارد. نخست، برابری قدرت خرید یک رابطه بلندمدت است و نه کوتاه‌مدت. در بازه‌های زمانی کوتاه، نرخ ارز تحت‌تأثیر انتظارات تورمی، ریسک‌های سیاسی و سیاست‌های پولی و ارزی نوسان دارد. این نظریه تنها زمانی کاربرد دارد که بازارها فرصت تعدیل داشته باشند و قیمت‌ها در داخل و خارج کشور به‌تدریج متناسب شوند.

بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که این نظریه بتواند نوسانات کوتاه‌مدت یا جهش‌های ناگهانی نرخ ارز را تبیین کند. دوم، نظریه برابری قدرت خرید مبتنی بر مبادلات تجاری میان کشورها است و ارتباطی با تحولات حساب سرمایه ندارد. اما در اقتصادی مانند ایران، به دلیل وجود نااطمینانی‌ها و ریسک‌های سیاسی بالا، ورود و خروج سرمایه، رفتارهای سفته‌بازانه و محدودیت‌های مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین نرخ ارز ایفا می‌کنند. در چنین شرایطی، تغییرات نرخ ارز بیشتر بازتاب تحولات حساب سرمایه است.

سوم، این نظریه تنها سمت تقاضای ارز را در نظر می‌گیرد و نقش عرضه را نادیده می‌گیرد. در ایران، عرضه ارز به‌شدت تحت‌تأثیر عوامل غیراقتصادی قرار دارد. تحریم‌های خارجی، محدودیت در صادرات نفت، دشواری بازگشت ارز حاصل از صادرات و موانع نقل‌وانتقال مالی موجب کاهش عرضه ارز شده‌اند. در چنین شرایطی، حتی اگر سطح عمومی قیمت‌ها تغییر چندانی نداشته باشد، کاهش عرضه ارز می‌تواند نرخ ارز را به سطوحی بسیار بالاتر از مقدار متناظر با برابری قدرت خرید برساند.

رئیس سازمان بازرسی کشور بر ضرورت بازرسی و کنترل انحصار در واردات و توزیع برنج تاکید کرد.
به گزارش خبرگزاری مهر، ذبیح الله خدائیان افزود: ما به‌عنوان دستگاه نظارتی موظف به بررسی عملکرد نهادهای مسوول تنظیم بازار هستیم. یکی از نکاتی که همواره به آن تاکید کرده‌ایم، موضوع ثبت‌سفارش واردات برنج است. واردات برنج با ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی انجام می‌شود. خدائیان گفت: در شرایطی که واردکننده با ارز ترجیحی اقدام به ثبت‌سفارش می‌کند، موظف است برنج وارداتی را با قیمت مصوب و یارانه‌ای در کشور توزیع کند. اما در عمل شاهد توزیع برنج با قیمت‌های بالاتر از نرخ مصوب در سطح بازار هستیم که این مساله جای نگرانی دارد. وی ادامه داد: یکی از ایراداتی که به عملکرد مسوولان وارد کردیم این بود که مشخص نکرده‌اند تا چه میزان ثبت‌سفارش را باید بپذیرند. طبق اعلام وزارت جهاد کشاورزی، ثبت‌سفارش‌ها تا سقف ۱۱۰ درصد نیاز کشور انجام می‌گیرد، اما زمانی‌که این سهمیه تکمیل می‌شود و برخی ثبت‌کنندگان اقدام به واردات نمی‌کنند، کمبود در بازار ایجاد می‌شود.

خدائیان تاکید کرد: باید زمان مشخصی برای ثبت‌سفارش‌ها تعیین شود. مثلاً اگر ۶ ماه زمان در نظر گرفته شده، این مدت به چهار ماه کاهش یابد. اگر واردکننده در این مدت اقدام به خرید و واردات نکرد، ثبت‌سفارش او باطل و فرصت به سایر واردکنندگان داده شود. وی با انتقاد از انحصار در واردات برنج گفت: نباید طراحی سامانه به گونه‌ای باشد که فقط واردکنندگان عمده و قبلی بتوانند ثبت‌سفارش انجام دهند. این رویه به انحصار منجر می‌شود و واردات را محدود به چند فرد خاص می‌کند.

رئیس سازمان بازرسی کشور در پایان گفت: اگر برنج وارداتی از زمان ورود به کشور، از طریق انبار تا مرحله عرضه به فروشگاه و مصرف‌کننده نهایی به درستی رصد و کنترل شود، قطعاً شاهد کاهش تخلفات و عرضه با قیمت واقعی خواهیم بود. این نظارت هم باید از سوی جهاد کشاورزی انجام شود و هم فروشگاه‌هایی که ارز یارانه‌ای گرفته‌اند باید پاسخگو باشند.

# دو راهی خودروسازان چینی



ماجرای به شورای امنیت بازمی‌گردد که طرف چینی هم قدرت چانه‌زنی و حتی عدم تمکین کمتری دارد. فعال‌سازی دوباره تحریم‌های سازمان ملل، به معنای قطع گسترده‌تر روابط بانکی، محدودیت در تبادلات مالی و افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی بر کشور است. در چنین شرایطی ادامه فعالیت خودروسازان چینی هزینه زیادی را برای آنها به همراه خواهد داشت. کم‌اینکه قبلاً هم با شروع دور دوم تحریم‌ها بسیاری از شرکت‌های چینی بازار خودروی کشور را ترک کردند.

موضوع دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد ادعاهای شرکت‌های چینی مبنی بر سهم کم بازار خودروی ایران از مجموع فروش آنها است. یکی از این خودروسازان که از قضا حضور پررنگی هم در ایران دارد اعلام کرده که در سه سال گذشته، ایران و کوبا هر کدام کمتر از نیم درصد از درآمد سالانه شرکت را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، بازار روسیه در سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۵،۵ درصد از کل درآمد این خودروساز چینی را تشکیل داده بود. اگر این ادعا درست بوده و سهم ایران از کل فروش یکی از مهم‌ترین خودروسازان چینی که در ایران هستند، تنها نیم درصد باشد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا آنها این میزان فشارهایی که به آن اشاره کردیم را تحمل خواهند کرد؟

اما عامل نهایی که می‌تواند تأثیرگذار باشد، علنی شدن مسیرهای پیچیده دور زدن تحریم‌ها توسط این شرکت‌ها است. بلومبرگ در گزارش خود روایت کرده که تجارت خودرویی میان چین و ایران به‌صورت غیرمسئتم و از طریق چندین شرکت واسطه و پسته‌ای انجام می‌شود. بلومبرگ می‌گوید خودروسازان قطعات و فناوری خودرو را به یک شرکت واسطه در شهر آن‌چینگ می‌فروشند، این شرکت خودروها را به‌صورت «نیمه‌مونتاز» آماده کرده و به ایران صادر می‌کند.

در مقابل مقداری معادل از فلزات ایرانی (عمدتاً مس و روی خام یا کنسانتره) به چین ارسال می‌شود. شرکت تونکلینگ نیز مسوول توزیع و فروش فلزات وارداتی ایران در بازار چین است. همچنین این رسانه اشاره می‌کند که علاوه بر فلزات محصولات کشاورزی مانند بادام هندی و پیسته نیز در مقابل این خودروها به چین داده می‌شود به طوری که چین در سال‌های اخیر حدود ۲میلیون دلار قطعات خودرو به ایران فرستاده و در عوض پسته ایرانی دریافت کرده است. مرور فرآیندها نشان می‌دهد این مسیر بسیار پیچیده است و از طرف دیگر حالا با جزئیات نیز در یکی از مهم‌ترین رسانه‌های دنیا از آن رونمایی شده است. بنابراین ادامه این مسیر چندان منطقی به نظر نمی‌سد.

البته بلومبرگ تاکید می‌کند که روی کاغذ هنوز تحریم‌ها نقض نشده‌اند، از آنجا که تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه ایران مشخصاً متوجه اشخاص یا شرکت‌های این کشورها و نیز کسانی است که از ارزش‌های آنان (مانند دلار یا یورو) استفاده می‌کنند، شرکت‌های چینی می‌توانند تا زمانی که تجارت خود را با ریال ایران یا یوان چین انجام دهند، بدون نقض تحریم‌ها به همکاری خود ادامه دهند. با این حال ادامه همکاری با کشورهای تحت تحریم می‌تواند آینده همکاری این شرکت‌ها با آمریکا و اروپا را به شدت تحت‌تأثیر قرار دهد.



## ضرورت رفع انحصار از واردات برنج

آینده تولید خودروهای چینی با تحریم‌های تازه، درهاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. خودروسازانی که طی یک دهه گذشته با رشد چشمگیر تولید، به بازیگران اصلی عرضه تبدیل شده‌اند، اکنون میان ماندن و ترک بازار ایران بر سر دو راهی قرار دارند. آیا در

تعادل بازار تغییری حاصل خواهد شد؟

گزارش اخیر بلومبرگ در مورد شیوه حضور خودروسازان چینی در ایران به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی در روزهای اخیر سا حواشی و واکنش‌های قابل توجهی همراه بوده است. در واقع در این گزارش در مورد مسیرهای حضور این خودروسازان در ایران رمزگشایی شده است. حال پرسشی که اهمیت پیدا می‌کند این است که با وجود بازگشت دوباره تحریم‌های شورای امنیت و همچنین علنی شدن شیوه‌های دور زدن تحریم‌ها آیا بازهم چینی‌ها حاضر به ادامه فعالیت در ایران خواهند بود؟

برای پاسخ به این پرسش باید هزینه و فایده این خودروسازان از حضور در بازار ایران را مرور کنیم. این خودروسازان بخش قابل‌توجهی از بازار خودروی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، سهم شرکت‌های چینی از این بازار طی سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی را نیز تجربه کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که چندی پیش منتشر شد، از رشد سهم حدود سه برابری خودروسازان خصوصی طی ۸ سال گذشته خبر داد. به‌طوری‌که از سهم ۸ درصدی در سال ۱۳۹۵ به سهم ۲۴ درصدی در بازار خودرو تا سال ۱۴۰۳ دست پیدا کرده‌اند. از طرف دیگر به واسطه سیاست‌های اجرایی در کشور و همچنین تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات ارزی، در بخش میانی هرم تقاضای خودرو در ایران، چینی‌ها به نوعی انحصار خودروه‌ای مونتاژی را در دست دارند. علاوه بر این سیاست‌های اجرایی مانند تخصیص ارز عموماً در جهت حمایت از این گروه است. بنابراین بازار خودروی ایران بازار کم‌بودی برای این شرکت‌ها نیست.

اما هزینه حضور آنها نیز قابل چشم‌پوشی نیست. بلومبرگ در گزارشی که به آن اشاره کردیم و با عنوان «خودروه‌ای چینی در برابر مس ایرانی؛ چگونه تحریم‌ها تهاتر را احیا کردند» منتشر شده، به ریسک‌های حضور یک شرکت چینی در ایران پرداخته است. در این گزارش آمده است فعالیت‌های این شرکت در ایران، روسیه و کوبا باعث شده که برخی از سرمایه‌گذاران بین‌المللی از خرید سهام این شرکت بارس هنگ‌کنگ صرف‌نظر کنند. در مورد خروج از این بازارها دهد و اعلام کرده است تا پایان سال ۲۰۲۴، فعالیت‌های خود را در ایران و کوبا متوقف کرده و متعهد شده است تا سال ۲۰۲۷، حضور خود در روسیه را نیز به سطحی «ناچیز» کاهش دهد. بنابراین ضربه به ارزش سهام شرکت‌ها موردی نیست که به راحتی از کنار آن عبور کنند و قطعاً در تصمیم‌گیری‌های آتی آنها تأثیرگذار خواهد بود.

از طرف دیگر برخی خودروسازان چینی در بازارهای جهانی اعتبار قابل‌توجهی دارند و استراتژی‌هایی را نیز در راستای افزایش آن طراحی کرده‌اند. برخی از این شرکت‌ها برنامه‌هایی برای افزایش حضور خود در بازارهای اروپا و آمریکا را در دستور کار خود دارند. ادامه همکاری با کشورهای درگیر تحریم و به طور مشخص ایران، کوبا و روسیه می‌تواند کار را برای پیشبرد هدف آنها در کشورها غربی سخت کند.

موضوع دیگری که می‌تواند یکی از مهم‌ترین موانع ادامه فعالیت چینی‌ها در بازار و صنعت خودروی ایران باشد، موضوع اساسی فعالسازی مکانیسم ماشه است. این مکانیسم که به پایه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل تعریف شده، این امکان را به یکی از طرف‌های برجام می‌دهد که در صورت نقض تعهدات توافق از سوی ایران، تمامی تحریم‌های پیشین شورای امنیت را احیا کند. موضوعی که در اوایل ماه جاری اجرایی شد تا کار برای صنایع کشور از جمله صنعت خودرو سخت‌تر شود.

با عملی شدن این مکانیسم، وضعیت همکاری‌های بین‌المللی ایران به‌شدت دشوارتر می‌شود. برخلاف چندسال اخیر که تحریم‌ها عموماً از طرف آمریکا اعمال می‌شد، این بار



**عدد شاخص قیمت مصرف‌کننده در فروردین ماه سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۰۹ بوده است. این عدد در شهریورماه سال ۱۴۰۴ به ۳۸۴۶ رسید.**

# بازار سرمایه سبزپوش شد



**فرحناز نعمتی** -افزایش نرخ بهره همچنان می تواند وضعیت اصلاحی در بازار به پا کند و تاثیر انتشار مطلوب گزارش‌ها را در کنار افزایش احتمالی نرخ دلار توافقی کمرنگ کند.

بازار سرمایه روز گذشته برای چهارمین روز متوالی سبزپوش شد. فتح کانال ۲میلیون و ۹۰۰ هزار واحدی در شرایطی به وقوع پیوست که بورس از پنجمین روز مهرماه با ثبت کندل‌های صعودی نسبتاً پرقدرت نوید بازدهی مطلوب برای سرمایه‌گذاران را از خود نشان داد. به طوری که شاخص کل از پنجمین روز مهرماه تاکنون بیش از ۱۰ درصد بازدهی داشته که نسبت به ماه‌های گذشته کم سابقه بوده است. با این وجود در شرایطی که همچنان سایه سنگین برخی تنش‌های بین‌المللی برسر بازار وجود دارد اما انتشار گزارش‌های مطلوب شرکت‌ها موتور محرک بازار شده و بورس را در مهرماه سبزپوش کرده است.

با این حال ابق افزایش نرخ بهره همچنان می‌تواند وضعیت اصلاحی در بازار به پا کند و تاثیر انتشار مطلوب گزارش‌ها را در کنار افزایش احتمالی نرخ دلار توافقی کمرنگ کند. با این وجود به نظر می‌رسد بازار در محدوده‌های فعلی تا ۳میلیون واحد با فشار عرضه‌های ناشی از شناسایی سود توسط برخی معامله‌گران روبه‌رو شود و کمی روند اصلاحی را در پیش بگیرد. با این وجود همچنان می‌توان اظهار کرد تا زمانی که وضعیت تنش‌های بین‌المللی تعیین تکلیف نشده‌د نمی‌توان افق مشخصی بر روند فعلی بازار متصور بود.

#### بازار از لنز آمار

دامسج اصلی بازار سرمایه روز سه‌شنبه با افزایش ارتفاع ۱.۴۳ درصدی همراه شد و در نهایت در سطح ۲میلیون و ۹۲۲ هزار واحدی ایستاد. رشد ۴۱ هزار و ۴۴۷ واحدی شاخص کل در حالی محقق شد



## بورس با وجود ریسک‌ها ارزنده و جذاب است

پس از چند سال سکون، بازار عرضه اولیه سهام در آمریکا بار دیگر داغ شده و دهها شرکت در صف ورود به بورس قرار گرفته‌اند. همزمان، دسترسی سرمایه‌گذاران خرد به این بازار بیش از هر زمان دیگری آسان شده است؛ اما کارشناسان هشدار می‌دهند که پشت این درهای باز، ریسک‌های بزرگی پنهان است. رشد چشم‌گیر قیمت برخی شرکت‌ها در تاریخ بازار سهام آمریکا گوجه و سوسومر انگیزی است، اما تجربه نشان داده هیجان جایگزین تحلیل می‌شود و زیان در کمین تازه‌واردهاست. روزنامه وال‌استریت ژورنال طی گزارشی ضمن بررسی اثر رونق عرضه اولیه‌ها بر اقتصاد کلان، ریسک‌های پیش‌روی این بازار را مورد بررسی قرار می‌دهد.

#### فرصت بزرگ IPOها

بازار عرضه اولیه سهام در ایالات متحده پس از چند سالار رکود دوباره جان گرفته و موج تازه‌ای از ورود شرکت‌ها به بورس، بار دیگر نگاه‌ها را به سمت این بخش از بازار سرمایه معطوف کرده است. درحالی‌که آمارها از رشد قابل‌توجه تعداد و ارزش عرضه‌های اولیه حکایت دارند، سهولت مشارکت سرمایه‌گذاران خرد نیز بیش از هر زمان دیگری در تاریخ بازار سهام آمریکا فراهم شده است. اما کارشناسان این حوزه تأکید می‌کنند که این گشایش تازه، اگر با درک درست از ماهیت پرنوسان عرضه‌های اولیه همراه نباشد، می‌تواند به تجربه‌ای زیان‌بار برای سرمایه‌گذاران تبدیل شود.

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون بیش از ۱۶۰ شرکت سهام‌خود را در بورس‌های ایالات متحده عرضه کرده‌اند، درحالی‌که در مدت مشابه سال‌های گذشته تنها ۱۰۶ عرضه اولیه انجام شده بود. یک شرکت تحقیقاتی پیش‌بینی کرده است تا پایان سال جاری میلادی تعداد عرضه‌ها به حدود ۱۵۰ مورد برسد و در سال آینده نیز بیش از ۲۵۰ شرکت جدید وارد بورس شوند و در مجموع بیش از ۵۰۰میلیارد دلار سرمایه جذب کنند؛ رقمی که نسبت به سال جاری افزایشی ۵۰درصدی نشان می‌دهد.

#### بازگشت اعتماد

تحلیلگران روند کنونی عرضه اولیه‌ها را نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به بازار سرمایه و افزایش تمایل شرکت‌ها به تأمین مالی از طریق بورس می‌دانند. دوران رکود اقتصادی و بی‌ثباتی‌های پس از پاندمی کرونا موجب شده بود بسیاری از شرکت‌ها عرضه اولیه خود را به تعویق بیندازند. اکنون اما با ثبات نسبی اقتصاد و تقاضای فزاینده برای سهام شرکت‌های فناوری‌محور، بازار IPO بار دیگر به جریان افتاده است.

در میان عرضه‌های موفق امسال، نام شرکت‌هایی دیده می‌شود که رشد خیره‌کننده‌ای را تجربه کرده‌اند. شرکت Core Weave که در حوزه رایانش ابری مبتنی بر هوش مصنوعی فعالیت دارد، از زمان عرضه در ماه مارس تاکنون ۲۴۰درصد رشد قیمتی داشته است. همچنین شرکت Circle Internet Group، ناشر استیبل‌کوین معروف USDC، از زمان ورود خود به بورس در ژوئن ۳۲۸درصد افزایش قیمت را ثبت کرده است. این ارقام باعث شده‌اند توجه گسترده‌ای به بازار عرضه‌های اولیه جلب شود و بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد در پی آن باشند که چگونه می‌توانند در این موج جدید مشارکت کنند.

#### تسهیل مشارکت

برخلاف سال‌های گذشته که عرضه‌های اولیه تقریباً در انحصار سرمایه‌گذاران نهادی و ثروتمندان بزرگ بود، اکنون پلتفرم‌های آنلاین کارگزاری مانند Robinhood و چند شرکت

خودروسازی، از جمله موضوعاتی بود که به رشد این صنعت کمک کرد. همچنین روز گذشته به طور خاص، صف‌های خرید ابتدا در نمادهای بزرگ هر صنعت شکل گرفت و سپس به سایر شرکت‌ها سرایت پیدا کرد. با این حال، برخی از شرکت‌های کوچک‌تر نتوانستند همگام با این رشد حرکت کنند و بازدهی کمتری را به ثبت رساندند.

یکی از نکات برجسته بازار در روزهای اخیر، ورود نقدینگی پرقدرت است که به نظر می‌رسد بخشی از آن از خارج از بازار سرمایه تأمین شده است. این نقدینگی که با پول فعالان سنتی بازار متفاوت بوده، از منابع مختلفی مانند سرمایه‌های در صندوق‌های درآمد ثابت یا حتی منابع دیگر وارد بازار شده است. این جریان مالی توانسته عرضه‌های سنگین در برخی نمادهای بزرگ را به سرعت جذب کند و مانع از افت بازار شود. از سوی دیگر افزایش قیمت طلا، همراه با تورم انتظاری ناشی از تحریم‌ها و فعال شدن مکانیسم ماشه، موجب شده سرمایه‌گذاران به دنبال تبدیل دارایی‌های ریالی خود به دارایی‌های سرمایه‌ای باشند. این موضوع به‌ویژه با احتمال شکل‌گیری ابرتورم، انگیزه‌ای مضاعف برای ورود پول به بازار سرمایه ایجاد کرده است. در این میان، صنایعی مانند فلزات اساسی، سنگ‌آهنی‌ها و معدنی‌ها به دلیل گزارش‌های مطلوب و امکان تسعیر ارز با نرخ‌های بالاتر در بازار توافقی دوم مورد اقبال بیشتری قرار گرفتند.

شاملو در ادامه افزود: درحالی‌که در هفته‌های گذشته، گروه‌های پالایشی پشتتاز بازار بودند، به نظر می‌رسد نقدینگی در حال چرخش به سمت صنایع معدنی، فلزی و فولادی است. این چرخش تدریجی که به جای چرخه، می‌توان آن را گردش نقدینگی نامید، نشان‌دهنده پویایی بازار است. انتظار می‌رود در روزهای آینده، گروه‌هایی مانند خودرو و بانکی‌ها نیز بتوانند از این جریان نقدینگی بهره‌مند شوند. حجم معاملات نیز به طور چشم‌گیری افزایش یافته و ارزش معاملات روزانه به طور میانگین به بیش از ۱۲ همت رسیده است. این افزایش حجم، همراه با ورود پول به بازارهای موزای مانند طلا، نشان‌دهنده حضور سرمایه‌های کلان با ماهیتی متفاوت از پول فعالان سنتی بازار است. از منظر تکنیکال، شاخص کل در محدوده ۲میلیون و ۹۵۰ هزار تا ۳میلیون واحد قرار دارد که یک محدوده مقاومتی کلیدی محسوب می‌شود. این محدوده از نظر استاتیک، داینامیک و همچنین اندیکاتور اچ‌یموکو، برعرضه است. عبور از این سطح می‌تواند نشانه‌ای قوی از چرخش قطعی روند بازار باشد و امیدواری‌ها را برای رسیدن به سطوح بالاتر افزایش دهد. حتی در صورت اصلاح یا رنج زدن پس از عبور از این محدوده، انتظار می‌رود بازار همچنان پتانسیل صعود به سطوح بالاتر را داشته باشد.

شاملو پیرامون سیاست‌های پولی بانک مرکزی نیز ادامه داد: در حوزه سیاست‌های پولی، رئیس کل بانک مرکزی همچنان بر سیاست‌های انقباضی تأکید دارد و نرخ بهره تغییر محسوس‌ی نکرده است. این سیاست، تأمین مالی را برای شرکت‌ها دشوار کرده و هزینه‌های مالی آنها را افزایش داده است. با این حال، گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر احتمال افزایش نرخ بهره تا ۴۰ درصد وجود دارد که می‌تواند چالش‌های بیشتری برای تولید و بازار سرمایه ایجاد کند. در مقابل، کاهش نرخ بهره می‌تواند محرکی قوی برای رونق بازار سرمایه باشد. بنابراین روزهای آینده برای بازار سرمایه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حفظ قدرت نقدینگی و عبور از سطوح مقاومتی می‌تواند چشم‌انداز روشنی برای بازار ایجاد کند. در غیر این صورت، احتمال اصلاح یا رنج زدن در این محدوده وجود دارد. با توجه به ورود نقدینگی پرقدرت، گزارش‌های مطلوب شرکت‌ها و انتظار افزایش نرخ تسعیر ارز، می‌توان به بهبود شرایط بازار در میان‌مدت امیدوار بود. بازار سرمایه در حال حاضر تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله تورم انتظاری، رشد نرخ ارز و ورود سرمایه‌های جدید قرار دارد. این عوامل، همراه با پتانسیل‌های موجود در شرکت‌های بزرگ، می‌تواند زمینه‌ساز رشد بیشتر بازار باشد، به شرطی که سیاست‌های کلان اقتصادی و تحولات بین‌المللی به نفع بازار عمل کنند. ندا عباسی، کارشناس بازار سرمایه در خصوص وضعیت بازار عنوان کرد: سهامداران بازار سرمایه در هفته‌های اخیر تا حد زیادی فعال شدن مکانیسم ماشه را در معاملات بازار پیش‌خور کرده بودند؛ این انتظار، موجب شد بازار پیش از اعلام رسمی، بخشی از افت خود را تجربه کند. تحریم‌های احتمالی شورای امنیت، وزنه‌ای سنگین در ریسک‌های سیستماتیک اقتصاد است و در صورتی که صادرات کشور را هدف قرار دهد، طبیعی است که شرکت‌های صادرات‌محور در میان‌مدت با فشار بیشتری روبه‌رو شوند. اما از سوی دیگر، افزایش نرخ دلار آزاد، شک و گمان رشد نرخ دلار توافقی را نیز تقویت کرده؛ موضوعی که می‌تواند تا حدی ترازنامه شرکت‌ها را متعادل تر و بخشی از فشار تحریم را جبران کند. در واقع باید عنوان کرد بخش مطلوبی از ریسک‌ها در قیمت سهام منعکس شده و بازار از نظر رفتاری تا حدی به بلوغ رسیده است. نکته مهم‌تر اینکه، بخش قابل‌توجهی از رشد اخیر بازار حاصل ورود نهاده‌ا و سرمایه‌گذاران حقوقی‌ها بوده است. این نشان می‌دهد بازار در حال بازیابی اعتماد خود بوده، هرچند همچنان سیاه‌ی تحریم و تنش‌های اقتصادی از سر اقتصاد ایران برداشته نشده است.

عباسی ادامه داد: گزارش‌های فصلی اخیر در بسیاری از صنایع، به‌ویژه شرکت‌های ریالی، تصویری نسبتاً مطلوب از عملکرد گذشته ارائه کردند. با این حال توصیه می‌شود سهامداران از صندوق‌های بخشی یا سهامی استفاده کنند که هم‌سا با شاخص کل بازدهی به دست آورند.

در نهایت، با توجه به اینکه فشار روانی دلار صد هزار تومانی شکسته شده و نرخ‌های بهره بالا همچنان پابرجاست، انتظار نمی‌رود قیمت ارز به پایین‌تر از این سطح بازگردد. بنابراین، می‌توان گفت بازار سرمایه در نقطه‌ای ایستاده که اگرچه با ریسک‌های ژئوپولیتیک مواجه بوده، اما از منظر ارزندگی و ارزش جایگزینی بسیاری از سهام، جذاب‌تر از ماه‌های گذشته به نظر می‌رسد.

<p>به ارزیابی وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: بازار سهام ایران در ماه‌های اخیر شرایط سختی را پشت سر گذاشته است. وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و تبعات سیاسی و اقتصادی آن باعث شد سهامداران زیان سنگینی را متحمل شوند. این ریسک‌ها نه‌تنها اقتصاد کشور، بلکه بازار سرمایه را نیز تحت فشار قرار داد و در نتیجه یک روند نزولی سنگین در بورس آغاز شد.</p> <p>وی افزود: هرچند اگر مسائل سیاسی و جنگ وجود نداشت، موضوعاتی همچون سودآوری شرکت‌ها و روند رشد اقتصاد ملی می‌توانستند بر قیمت سهام‌ها اثر بگذارند، اما واقعیت این است که در شرایط فعلی، نقش مسائل اقتصادی در مقایسه با متغیرهای سیاسی بسیار کمرنگ‌تر است. به عبارت دیگر، فضای سیاسی کشور با ایجاد ابهام در آینده اقتصاد، موجب برهم خوردن انتظارات مثبت شده و همین عامل اصلی افت شدید قیمت سهام‌ها بوده است.کارشناس بازار سرمایه اضافه کرد: بنابراین اگر بخواهیم انتظار بازگشت روند صعودی در بورس را داشته باشیم، لازمه آن وقوع تحولات مثبت در عرصه سیاسی است. در حال حاضر با افت سنگین قیمتها می‌توان گفت اثرات جنگ و تحولات اخیر تا حد زیادی در بازار تخلیه شده‌اند و اگر رخداد سیاسی منفی جدیدی شکل نگیرد ، احتمال افت جدی مجدد چندان بالا نیست. با این حال، برای اینکه شاهد رشد پایدار در بازار سرمایه باشیم، باید با ریسک جنگ به‌طور محسوس‌ی کاهش یابد یا شاهد گشایش‌های مثبت سیاسی باشیم. بر همین اساس، در کوتاهمدت پیش‌بینی می‌شود بازار سرمایه بیشتر رفتاری نوسانی و خشنی را به جای روندی صعودی یا نزولی پرقدرت انتخاب کند.</p>	
---	--

## فرصت بزرگ IPOها



دیگر شرایط را برای مشارکت سرمایه‌گذاران خرد فراهم کرده‌اند. این تحول را برخی ناظران دموکراتیزه‌شدن بازار IPOتوصیف می‌کنند، چرا که افراد عادی نیز می‌توانند سهام شرکت‌های تازه‌وارد را در همان مراحل ابتدایی خریداری کنند.

برای نمونه، در پلتفرم رابین‌هود هر فرد بالای ۱۸ سال بدون نیاز به حداقل موجودی حساب می‌تواند در عرضه‌های اولیه شرکت کند. درحالی‌که در فیدلیتی تنها مشتریان ممتاز با مانده حساب بالا مجاز به مشارکت هستند. با این حال، ورود آسان به معنای تخصیص قطعی سهام نیست. هر کارگزاری تنها بخشی از سهام عرضه‌شده را از متعهد پذیرهنویس دریافت می‌کند و آن را میان مشتریان خود تقسیم می‌کند؛ بنابراین سرمایه‌گذار ممکن است کمتر از مقدار درخواستی خود سهم دریافت کند یا اصلاً سهمی به او تخصیص داده نشود.

فرآیند مشارکت نیز نیازمند ثبت «اعلام علاقه‌مندی» پیش از عرضه رسمی است؛ اقدامی غیرالزام‌آور که در آن سرمایه‌گذار تعداد سهام مورد نظر خود را اعلام می‌کند. پس از تعیین قیمت نهایی و جزئیات عرضه، سفارش نهایی تأیید می‌شود، اما همچنان هیچ تضمینی برای دریافت سهم در نظر گرفته نمی‌شود.

به گفته آنتونی دنیه، مدیرعامل آمریکای Webull، نحوه تخصیص سهام میان مشتریان در کارگزاری‌ها متفاوت است. برخی شرکت‌ها به مشتریان وفاداری که در عرضه‌های پیشین شرکت کرده‌اند اولویت می‌دهند، برخی دیگر اولویت را به کسانی می‌دهند که موجودی بالاتری دارند و برخی نیز ترتیب ثبت‌سفارش را ملاک تقسیم قرار می‌دهند. از این رو، مشارکت در IPO برای هر سرمایه‌گذار تجربه‌ای منحصربه‌فرد است و ممکن است نتیجه آن با انتظار اولیه تفاوت زیادی داشته باشد.

#### ریسک بزرگ IPOها

در کنار جذابیت‌های احتمالی، کارشناسان مالی هشدار می‌دهند که بازار عرضه اولیه ذاتاً پرنوسان و سفته‌بازانه است. مارسل میو، برنامه‌ریز مالی در شرکت Simplify Wealth Planning، می‌گوید: «بزرگ‌ترین خطرات در IPOها نوسان شدید و ارزش‌گذاری بیش از اندازه است. قیمت‌ها در روزهای اول ممکن است جهش بزرگی داشته باشند اما سطوح‌های سریع نیز بسیار شایع است.»

نمونه اخیر این وضعیت شرکت Figma است. سهام این شرکت طراحی نرم‌افزار در روز نخست عرضه خود در ۳۱ژوئیه بیش از سه برابر شد، اما طی دو ماه بعد بیش از ۵۰ درصد از ارزش خود را از دست داد. چنین مثال‌هایی یادآور این واقعیت هستند که هیجان اولیه بازار

#### بورس و بانک

## روزنامهٔ «دراقتصاد» دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۹ www.marzeghtesad.ir

#### ✦ بورس از شوک ماشه عبور کرد

بورس تهران در چهارمین روز معاملات هفته با رشد شاخص کل و هم‌وزن همراه بود، این دو شاخص پس از بازگشت تحریم‌ها و از ابتدای هفته تاکنون به طور پیوسته به رشد خود ادامه دادند. دو دلیل برای رشد بازار سهام بهرنگ شادرو، کارشناس بازار سرمایه به وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: برای رشد بازار سهام می‌توان دو دلیل عمده را متذکر شد. اولین دلیل را می‌توان رشد قیمت دلار دانست. بازار ما به‌صورت سنتی همیشه به دنبال نرخ دلار حرکت کرده و در واقع این رفتار را یاد گرفته است. به این معنا که هر زمان دلار بازار آزاد افزایش پیدا می‌کند، پس از مدتی با یک وقفه، دولت معمولاً نرخ دلار سامانه مبادله (که پیش‌تر «نیم‌ا» نام داشت) را به سمت بالا تعدیل می‌کند، تا فاصله میان دلار آزاد و مبادله‌ای کاهش یابد. بازار این رفتار را بارها تجربه کرده و به آن اطمینان پیدا کرده است.

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی هم، محرک یا «دایور» اصلی بازار سرمایه ما نرخ دلار است؛ چراکه این نرخ، چشم‌انداز سودآوری(ریالی) شرکت‌ها را تعیین می‌کند. چون رشد نرخ دلار نهایتاً به افزایش ارزش ریالی درآمد شرکت‌ها منجر می‌شود. به همین دلیل، بازار بر مبنای همین انتظارات رو به بالا حرکت کرده است.

اما دلیل دوم و به نظر من مهم‌تر از دلیل اول، این است که بخش عمده‌ای از بازار سرمایه ما در اختیار دولت و نهادهای وابسته است. دو صندوق توسعه در ساختار بازار نقش بسیار پررنگی دارند و در جریان معاملات تاثیر گذارند. درست‌تر روز بعد از اعمال «ماشه» بازار مثبت شد. به نظر من، اولویت را باید به این موضوع بدهیم که رشد بازار ناشی از اراده و اقدام بازارساز(نهادهای حمایت‌کننده) بوده است. به بیان دیگر، این رشد با تصمیم و دخالت مستقیم شکل گرفته تا بازار سرمایه تقویت شود.

در گذشته، بازار معمولاً منتظر می‌ماند تا از افزایش نرخ دلار نیما یا مبادله‌ای اطمینان حاصل کند و بعد از آن خرید انجام دهد. اما این‌بار، خریدها پیش‌دستانه بوده و به‌نوعی محرک اولیه از سوی بازارساز بوده است؛ یعنی دولت خواسته که جریان نقدینگی از بازار دلار و طلا به سمت بازار سرمایه هدایت شود. ما شاهد هستیم که برای صندوق‌های طلا محدودیت‌هایی وضع شده و دولت با تزریق دلار در بازار آزاد تلاش می‌کند تا نرخ ارز بازار آزاد را کنترل کند. در نتیجه، هدف این استست که سرمایه‌ها به‌جای بازارهای موزی، وارد بازار سهام شوند. به نظر من، این عامل دوم مهم‌ترین محرک رشد اخیر بازار است.

با روندی که بازار در پیش گرفته و افزایش ارزش معاملات، احتمال دارد که در محدوده دومیلیون و ۹۵۰هزار واحد، بازار وارد یک وقفه یا اصلاح موقت شود. ممکن است در این مسیر شاهد بازوی اصلاحی باشیم که شاخص تا محدوده دومیلیون و ۸۰۰ یا دومیلیون و ۸۵۰هزار واحد عقب‌نشینی کند. اما روند کلی بازار سرمایه را صعودی می‌بینم و فکر می‌کنم تا رسیدن به سقف اردیبهشت امسال، همچنان پتانسیل رشد وجود دارد.

وی در مورد چشم‌انداز و استراتژی پس از بازگشت تحریم‌ها گفت: بعید به نظر نمی‌رسد که بازار سرمایه تا پایان سال بتواند روند پرشتاب کنونی را حفظ کند؛ قطعاً در مقطعی توقف یا اصلاح خواهد داشت. اما در سمت دیگر، ما شاهد رشد مستمر اونس جهانی هستیم و متأسفانه باید گفت که چشم‌انداز دلار نیز تا پایان سال صعودی است. بنابراین این می‌توان گفت ترکیبی از بازار سرمایه و بازار طلا می‌تواند استراتژی مناسبی برای باقی‌مانده سال باشد.

به‌ویژه هرچه به انتهای سال نزدیک‌تر شویم، با توجه به تحریم‌های اعمال‌شده احتمال رشد دلار آزاد وجود دارد و از سوی دیگر افزایش قیمت اونس جهانی نیز می‌تواند بازدهی صندوق‌های طلا را حفظ کند. بنابراین این صندوق‌ها همچنان تا پایان سال می‌توانند عملکرد مناسبی داشته باشند. اما تداوم رشد بازار سرمایه بستگی به میزان حمایت واقعی دولت تا این بازار دارد. یکی از روش‌های واقعی حمایت، حذف دلار دستوری یا دلار مبادله‌ای از نظام ارزی کشور است. این اقدام می‌تواند تاثیر مثبتی بر سودآوری شرکت‌های بورسی و جذابیت بازار سرمایه داشته باشد.

از دیگر عوامل مهمی که می‌تواند در رونق بازار موثر باشد، موضوع «بورس کلایلی خودرو» است؛ موضوعی که در سال‌های اخیر شاید بیش از ۱۰ تا ۱۲ بار مطرح شده اما هر بار فقط نوسانات کوتاه‌مدتی در بازار ایجاد کرده و به‌طور جدی پیگیری نشده است. حذف قیمت‌گذاری دستوری در این‌حوزه می‌تواند اثر بسیار مثبتی بر بازار سرمایه داشته باشد. در مجموع، همین دو عامل می‌توانند تا پایان سال به رونق بازار سرمایه کمک کنند. اما باید تأکید کرد که رشد پایدار بازار تنها زمانی اتفاق می‌افتد که نرخ دلار مبادله‌ای افزایش پیدا کند و در غیر این صورت، رشد فعلی می‌تواند کوتاه‌مدت و مقطعی باشد.

پدرام روتبه‌دل کارشناس بازار سرمایه گفت: بخش قابل‌توجهی از افت‌ها و روند نزولی، بیش از وقوع «کنایسیم ماشه» توسط بازار پیش‌خور شده بود. به همین دلیل، پس از وقوع این اتفاق، واکنش بازار فراتر از انتظار بوده، شاخص کل مثبت شد، حجم معاملات افزایش یافت، ورود نقدینگی توسط اشخاص حقیقی صورت گرفت و در مجموع، بازار روندی صعودی که خود گرفت. از سوی دیگر، بازار سرمایه نسبت به سایر بازارها دچار چلماندگی شده بود و همین امر، زمینه‌ساز رشد آن شد.

- ▼** **ضرورت توجه به کشاورزی ارگانیک**

تامین بموقع و اقتصادی نهاده‌ها که معمولاً بذر، کود و سم هستند و سرمایه مالی و سرمایه انسانی نیز در صدر آنهاست، لازمه تولیدات کشاورزی، دامی و شیلات است. روشن است که بدون آب کافی و خاک مناسب، تولید حرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی ممکن نیست یا اینکه تولیدشان پرهزینه خواهد بود. بدون تامین بذر و نهال، بدون تامین کود چه در نظام ارگانیک و چه در نظام‌های تولید رایج، تولید با عملکرد اقتصادی به‌ندرت قابل تصور است و تامین نیازهای سرمایه‌ای آن دشوار خواهد بود. لذا قبل از بیان انتظارات از کشاورزان و حتی کشت و صنعت‌های بزرگ، انتظار می‌رود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران کلان که نیروی انسانی تحصیلکرده و امکانات، سرمایه‌ها و ارتباطات دارند، گام‌های مناسب و متناسب با شرایط طبیعی و شرایط اقتصادی خاص پیشنهاد و اجرایی کنند؛ چراکه شاید اگر در شرایط مطلوب تمرین کشاورزی ارگانیک کرده بودیم، امروز وابستگی کمتری به نهاده‌های غیرارگانیک داشتیم.

مفهوم و اصول چهارگانه ارگانیک، عبارت از انصاف، سلامت، مراقبت و اکولوژی است. یکی از اصول کشاورزی ارگانیک، اصل انصاف است، یعنی محصولات باید نه گران باشد و نه ارزان؛ بلکه لازم است که قیمت آنها یک رقم منصفانه باشد. در نظام تولید ارگانیک، درس‌های جالبی نه‌تنها برای کشاورزی و صنعت بلکه برای قوام سرمایه اجتماعی و حتی حاکمیت و منطقه‌نفته‌است که برای عبور از شرایط خاص اقتصادی و طبیعی (خشکسالی) می‌توان از آن بهره برد. شاید محصول ارگانیک را گران بخرند تا تولیدکننده ارگانیک را تشویق کنند، اما گران‌فروشی آن اصل انصاف را خدشدار کرده و محصول را از ارزش اخلاقی ارگانیک خارج می‌کند. واسطه‌های ضایع در نظام ارگانیک اصولی قابل‌قبول نیست؛ دلیل این امر آن است که اضافه شدن واسطه‌ها به چرخه عرضه و تقاضا سبب گرانی می‌شود و همین اصل انصاف را خدشدار می‌کند. به‌مرحال، هر گاه محصولی به مقدار نیاز بازار تولید یا تامین نشود، انگیزه برای افزایش قیمت پیدا شده و به عبارتی مکانیسم‌های عرضه و تقاضا می‌تواند سبب گرانی آن بشود. این مطلب الزاماً به معنای گران بودن تولید نیست، کما اینکه تولیدکنندگانی که می‌شناسیم، عمدتاً با تصالف‌اند و رعایت مشتریان شناخته‌شده خود را می‌کنند. شاید وارداحل اصولی، حتی در این شرایط طبیعی و اقتصادی، تولید ارگانیک بیشتر است، اما ابتدا جامعه را حداقل افزایشی از جامعه به محصولات ارگانیک باید توجه بکنند تا تولیدکننده و واردکننده به فکر تولید یا تامین بیشتر محصولات ارگانیک بایفتند.

طبق آخرین آمار در سال ۲۰۲۳، ایران در سطحی حدود ۱۵هزار هکتار کشت ارگانیک (حدود یک‌هزارم سطح کشاورزی کشور) داشته است که حدود ۱۵۰۰ تن از تولید آنها صادر شده و الباقی در ایران مصرف شده است. ارزیابی‌های پژوهشی نشان می‌دهد هنوز شور و شوق لازم در بین مصرف‌کنندگان در داخل کشور شکل نگرفته است، لذا محصولات ارگانیک به قصد صادرات و برای جوامع صادراتی تولید می‌شود؛ مانند صادرکنندگان بسته ارگانیک، انار ارگانیک، خرمای ارگانیک، سماق ارگانیک.

معدود تولیدکنندگانی که خود را ملزم به تولید ارگانیک برای جوامع داخلی می‌بینند، به دلیل موجه و ناموجه چندان مورد تشویق قرار نمی‌گیرند چند شایکلر ایرانی محصول ارگانیک به چند سبک به تولید و عرضه یرنج از ارگانیک می‌پردازند که در مقاله‌ای در پنجاهمین سالل تأسیس فدراسیون جنبش‌های بین‌المللی ارگانیک در کرج‌جنوبی در ۲۰۲۲ مقایسه شده‌اند. به‌علاوه روش‌های تولید ارگانیک، امروزه مجزه به نهاده‌های بیولوژیک هستند و حتی می‌توانند در شرایطی عملکرد را افزایش دهند، چرا که از سموم شیمیایی که درصدی از محصول را کاهش می‌دهند اما از آن محافظت می‌کنند در این روش تولید ارگانیک استفاده نمی‌شود.

برخی نهاده‌های لازم برای این نظام تولید منظم و درخور تحسین را بهتر است بیشتر بشناسیم؛ عوامل کنترلر بیولوژیک، کودهای معدنی مجاز در ارگانیک مانند کود معدنی گوگردی برای اصلاح خاک و ایجاد محیط مناسب برای فعالیت موجودات زنده در خاک، به‌خصوص کرم خاکی در سلبه کشاورزی حفاظتی که از قطرات آب خاک حراست می‌کنند، زمینه را برای تولید دانش‌بینان ارگانیک با توجه به شرایط جدید قیمت‌ها فراهم می‌کند.

توجه به تحقیق و توسعه شایسته مبتنی بر روش‌های درست ارگانیک، کنترلر بیولوژیک، کودهای سبز، کودهای بیولوژیک و کاهش مصرف سموم باید در دستور کار باشد و برنامه ابلاضی وزیر وقت کشاورزی در ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ کماکان می‌تواند مبنای کار باشد؛ تولید سویا ارگانیک می‌تواند زمینه ساز تولید مرغ ارگانیک و رسیدن به متوسط جهانی تولید ارگانیک و سهم از بازار صادرات بیش از ۱۳۰میلیاردیوروی جهان ارگانیک و بازار ۲۰۳۰ که قرار است اروپا ۲۵درصد تهیه و تامین محصولات غذایی را از منابع ارگانیک تامین کند، باشد.

به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه کشاورزی ارگانیک در سطح ملی و منطقه‌ای، توسعه انواع محصولات مناسب و گسترش برنامه‌های آموزشی کشاورزان مورد نیاز است. با سرمایه‌گذاری در حد لازم و کافی، روش‌های کشاورزی نوآورانه مانند آگرواکولوژی و بهبود پایداری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.



# تحریم بدتر از بمب است

**۴**
 **بیثنا حسن پور** – دونماینده سازمان ملل روز گذشته در مراسم سالگر دروز جهانی اسکان بشر در تهران، با یک پرسش دولت ایران درباره «تعارض بین ماموریت ۲۰۲۵د فتر اسکان بشر و سکوت جهانی در برابر تحریم‌ها» روبه‌رو شدند.

وزیر راه‌وشهرسازی، جنگ ۱۲روزه و تحریم‌ها را «مصادق بارز خشونت علیه شهروندان» عنوان کرد، آن هم در سالی که «هیبتات» آن را «سال تاب‌آور کردن شهرها برای تضمین حق حیات» معرفی کرده است. همچنین تحریم‌ها به مانع تامین دارو تبدیل شده و درمان بیماران پروانه‌ای را مختل کرده است. با وجود اینکه هدف یازدهم از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل تبدیل شهرها و سکونتگاه‌های انسانی به شهری فراگیر ایمن تاب‌آور و پایدار همسو و شعار اندک‌دتر اسکان بشر مبنی بر پاسخ به بحران‌های شهری است، اما این دو نهاد بین‌المللی در مقابل جنگ، تخریب و حمله به زیستگاه شهروندانی ایرانی سیاستی منغل داشته و این در تضاد با شعار امسال است. دفتر اسکان بشر می‌تواند بر اساس اهداف توسعه پایدار سازمان ملل کشورها را از مشکلاتی که تحریم بر کیفیت زندگی سکنان شهرها ایجاد می‌کند، آگاه کند که چگونه تخریب‌هایی که جنگ و تحریم با خود به همراه دارد، زیست شهروندان و حق حیات آنها را تخریب می‌کند. این ماموریتی است که جهان در راستای اسکان بشر برعهده دارد تا خاطراتی را که تحریم می‌تواند بر کیفیت زندگی شهروندان ایرانی وارد کند به کشورهای تحریم‌کننده ایران یادآوری کند و از حالت صرف شعاری خارج شوند. وزارت راه و شهرسازی به مناسبت روز جهانی اسکان بشر، با حضور نماینده سازمان ملل در نشست روز گذشته ، دفتر اسکان بشر سازمان ملل را به‌دلیل اعمال مجدد تحریم‌ها بر شهروندان به چالش کشید که چگونه تحریم یک خشونت پنهان علیه شهروندان و حق حیات در شهرها خواهد بود.

فرزانه صادق مالوارجرد، وزیر راه و شهرسازی در نشست روز جهانی اسکان بشر به هیبتات به‌دلیل انفعال در برابر تحریم ایران اعتراض کرد و جنگ را از بلایای انسان‌ساخت آسیب‌زا بر اسکان بشر معرفی کرد. او با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲روزه به ایران، تأکید کرد، جنگ، مرز نمی‌شناسد؛ اما وجدان بشری باید مرزی یکشد میان انسانیت و بربریت. این حوادث، آشکارا در تضاد با روح منشور ملل متحد، «دستور کار جدید شهری» و اهداف توسعه پایدار است؛ به‌ویژه اهداف ۱۱ و ۱۳ که بر ایجاد شهرهای تاب‌آور و مقابله با تغییرات اقلیمی تأکید دارند. چگونه می‌توان از تاب‌آوری سخن گفت، وقتی سکونتگاه‌ها و زیرساخت‌های شهری خود، آماج حملانه‌؟ چگونه می‌توان از پایداری گفت، وقتی زنان و کودکان در خانه‌هایشان قربانی می‌شوند؟ اگر شهرها پناهگاه زندگی نباشند، این حملات، جنایت علیه حیات شهری و علیه آینده بشر است.

تحریم‌های غیرقانونی و یک‌جانبه، تنها بر سیاست و اقتصاد فشار نمی‌آورند؛ آنها کیفیت زندگی انسان‌ها را هدف گرفته‌اند. تحریم یعنی محروم کردن یک ملت از دارو، از فناوری‌های نوین دوستدار محیط زیست و از دانش روز. تحریم یعنی افزایش نابرابری در شهرها، یعنی خشونت پنهان که در سکوت، حق حیات محروم‌ترین طبقات اقتصادی را نشانه می‌گیرد. تحریم‌ها بمب نیستند؛ اما عمیق‌تر از آن می‌سوزانند. آنها شهر را ناگهان نه که به‌طور مستمر و خزنده فرسوده می‌کنند و اینجاست که باید پرسید: آیا جهان متمنند آماده است تا مفهوم «تحریم» را در زمره بحران‌های انسان‌ساخت و ضدانسانی طبقه‌بندی کند؟

او همچنین تأکید کرد، شعار امسال، «بحران‌های شهری و پاسخ‌های ما»، بیش از هر زمان دیگری ضرورت همبستگی جهانی را یادآوری می‌کند. امروز دیگر شهرها صرفاً ترکیبی از ساختمان و خیابان نیستند؛ شهرها، صحنه زندگی انسان، تبلور فرهنگ، دانش، نوآوری و همزیستی‌اند. هر تصمیمی که برای شهر می‌گیریم، در واقع تصمیمی است برای سرنوشت انسان. این نگاه متضمن اتحاد رویکردی چندبخشی، چند سطحی، یکپارچه و فراگیر در امر توسعه شهری و نیل به تحول شهری است. تغییرات اقلیمی، خشکسالی، سیل، فرورنشست زمین، توفان‌های گرد و غبار و آتش‌سوزی‌های گسترده، دیگر رویدادهای استثنایی نیستند، بلکه بخشی از واقعیت روزمره بسیاری از کشورها شده‌اند، لذا ضرورت دارد در سطح سیاست‌گذاری تاب‌آوری شهری و آمادگی در برابر بلایا در دستور کار توسعه ملی قرار گیرد.

شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور نیز به مناسبت روز جهانی اسکان بشر تأکید کرد، حق بر سکونتگاه مناسب و ایمن در بستر شهرها تنها زمانی تحقق می‌یابد که محیط زیست پیرامون آن پایدار، ایمن و سالم باشد. سه‌گانه آب، خاک و هوا چونان مثلی تأثیرگذار بر همه وجوه زیست شهری سایه می‌افکنند و تصور شهرها مستقل از سپهر محیط زیستی حاکم بر آن هرگز ممکن نیست.



## مختصات سال جاری آبی

شهرها به‌عنوان مرکز زندگی انسانی، امروزه بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های چندوجهی روبه‌رو هستند؛ رشد شتابان جمعیت شهری، مصرف فزاینده انرژی، آلودگی هوا، بحران پسماند، کمبود منابع آب، فرسایش خاک، فرورنشست زمین و پدیده تغییر اقلیم، تنها بخشی از این تهدیدها هستند. در چنین شرایطی، اگر توسعه شهری بدون رویکرد محیط زیستی ادامه یابد، سکونتگاه‌های انسانی نه مظهر رفاه و آرامش، بلکه منشأ بحران خواهند شد.

استان پریزن، هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد در ایران بر موضوعات مهاجرت‌های داخلی ایران اشاره کرد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را به همراه می‌آورد. ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر در حال گذر از بحران شدید مسکن است. میلیون‌ها خانواده با موانعی در دسترسی به مسکن مناسب و متناسب با توان مالی خود روبه‌رو هستند؛ اجاره‌ها بیش از یک‌سوم در آمد خانوارها را می‌خورند و به علت فشارهای اقتصادی و جمعیتی سکونتگاه‌های غیر رسمی گسترش می‌یابند. بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۲۴ جمعیت شهری ایران ۱۱ برابر شد. امروزه بیش از ۷۷درصد از ایرانیان در شهرها زندگی می‌کنند. هر سال حدود یک‌میلیون نفر در داخل ایران نقل مکان می‌کنند، این مهاجرت داخلی یک نیروی جمعیتی و اجتماعی حیاتی است که غالباً منعکس‌کننده و تقویت‌کننده نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی است. باورده‌های ملی نشان می‌دهد که بین ۵ تا ۸میلیون واحد مسکونی برای تامین تقاضای مسکن، کاهش مسکن ناام و ناکافی و تقویت بافت شهری آسیب‌پذیر مورد نیاز است به‌طور متوسط یک خانواده شهری در ایران برای تهیه یک آپارتمان متوسط لازم است چند دهه پس‌انداز کند.

خانم روسانو، مدیر مرکز آسیا و اقیانوسیه برای توسعه مدیریت اطلاعات بلایا (APDIM)، معتقد است که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر گام‌های مستودنی به‌منظور گنجاندن تاب‌آوری و کاهش خطر بلایا در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری و منطقه‌ای برداشته است. او تأکید کرد: مخاطرات زیست محیطی از قبیل توفان‌های گرد و غبار، پدیده‌هایی منفرد نیستند، بلکه چالش‌هایی شهری هستند که بر سلامت عمومی، مسکن، جابه‌جایی و کیفیت کلی زندگی، تأثیر عمیقی می‌گذراند. بیش از ۸۰درصد جمعیت ایران، ترکمنستان، پاکستان، ازبکستان و تاجیکستان به میزان متوسط تا بالا با آلودگی هوای مرتب با توفان‌های گرد و غبار، مواجه هستند. مراکز شهری از قبیل اهواز، زابل و زاهدان در ایران، دلهی نو در هند، کراچی و لاهور در پاکستان و بخش‌هایی از غرب آسیا، در زمره مناطقی هستند که بیش از همه از این مساله تأثیر گرفت‌اند.

از نکته‌های قابل‌توجه گفته‌های روسانو، برنامه‌ریزی پروژه مشترک جدید اسکاب و سازمان ملل با عنوان «مقابله با بحران سساکت آسیا-اقیانوسیه: شهرهای در حال فرو رفتن» است که این پروژه بر رسیدگی به موضوع فرورنشست زمین و تأثیر آن بر تاب‌آوری شهری تمرکز دارد. این یک چالش فزاینده است که غالباً به آن بی‌توجهی می‌شود؛ اما بر زندگی میلیون‌ها نفر در این منطقه تأثیر می‌گذارد. در قالب این چارچوب، دو شهر به‌صورت پایلوت شناسایی خواهند شد که یکی از آنها در ایران و دیگری در بتگلادش خواهد بود. این دو شهر، سیاست پایش یکپارچه و تدابیر کاهش را با هدف تقویت ظرفیت‌های محلی به منظور مدیریت منابع آبی شهری و جلوگیری از فرورنشست بیشتر زمین، اجرا خواهند کرد.

#### موج مهاجرت به شمال کشور

سیدمحمد بهشتی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری، از دیگر سخنرانان این نشست بر مشکلات ناشی از موج مهاجرت از کشورهای درگیر مشکلات آبی و فرورنشست به شهرهای شمالی اشاره کرد که ما امروز با موضع فرورنشست و تنش‌های آبی مواجه هستیم که همه مردم با آن درگیر هستند. اما این موضوع فقدر باعث شده تا سیاستگذاران کشوری در این زمینه اقداماتی مهم انجام دهند؟ شاهد موج مهاجرتی از سوی خوزستان هستیم؛ اما این افراد به کجا مهاجرت می‌کنند و آیا مکان جدید آمادگی پذیرش این مهاجرت را دارد؟

تمام شهرهای حاشیه جنوب البرز و شرق زاگرس در معرض فرورنشست و کاهش جمعیت هستند. امروز بیزد بیشتر از ۶۶هزار نفر جمعیت دارد، اما احتمالاً ظرف ۱۰سال آینده به ۱۰۰هزار نفر می‌رسد؛ زیرا منابع آبی نمی‌تواند به آن جواب دهد. لوله آبی که از کوهرنگ به یزد می‌آید در سال‌های آینده ظرفیت نخواهد داشت. اما باید به این دقت کرد که این مهاجرت به کجا می‌رودن و پناهگاه جمعیتی جدید کجاست؟ امروز در سیهکل یک‌دهان نگاه‌های معطل ملکی اصفهانی هستند. خوزستانی‌ها و یزدی‌ها هم در شمال کشور ساکن شده‌اند و این نشان می‌دهد یک موج جمعیت مهاجرت در پیش است. اما آیا استان گیلان و مازندران آمادگی پذیرش این جمعیت را دارند؟ این دو استان به شدت از دفع زلزله و آب‌های ناسالم رنج می‌برند.

کشور ما نسبت به موضوع اسکان بشر در شرایط اضطرار قرار می‌گیرد. اگرچه باید مصوبات جهانی را درنظر داشت، اما پیش از آن باید تمرکزمان را معطوف به سسرزمین خود کنیم که در چه شرایطی قرار دارد. اینکه قیمت ملک در خونسار طی مدت ۱۰سال به‌دلیل داشتن آب چندین برابر می‌شود این یعنی زنگ خطر برای سیاستگذاران که آب، منجر به هجوم افراد به این منطقه می‌شود، درحالی‌که که آمادگی پذیرش را ندارند و در نتیجه مشکلات جدیدی ایجاد می‌شود. این مهاجرت به کجا می‌رودن و پناهگاه جمعیتی جدید کجاست؟ امروز در سیهکل یک‌دهان نگاه‌های معطل ملکی کشورمان چه اقلاتی به لحاظ زیست‌محیطی و آرایشی جمعیتی افتاده است. اگرچه در حال حاضر نزدیک به ۸۰درصد جمعیت کشور شهرنشین هستند، اما این شهرنشینی به اضطرار است نه شهرنشینی ناشی از رشد مدنیت.

اسفندیار زبردست، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، نیز بر موضوع بحران‌های مهاجرتی ناشی از تغییرات آب و هوایی کشور تأکید کرد و گفت: یکی از موضوعاتی که در آینده باید به آن توجه بیشتری کرد، بحث تغییرات اقلیمی است. پیش از آن باید تمرکزمان را معطوف به سسرزمین خود کنیم که در چه شرایطی قرار دارد. اینکه قیمت ملک در خونسار طی مدت ۱۰سال به‌دلیل داشتن آب چندین برابر می‌شود این یعنی زنگ خطر برای سیاستگذاران که آب، منجر به هجوم افراد به این منطقه می‌شود، درحالی‌که که آمادگی پذیرش را ندارند و در نتیجه مشکلات جدیدی ایجاد می‌شود. این مهاجرت به کجا می‌رودن و پناهگاه جمعیتی جدید کجاست؟ امروز در سیهکل یک‌دهان نگاه‌های معطل ملکی کشورمان چه اقلاتی به لحاظ زیست‌محیطی و آرایشی جمعیتی افتاده است. اگرچه در حال حاضر نزدیک به ۸۰درصد جمعیت کشور شهرنشین هستند، اما این شهرنشینی به اضطرار است نه شهرنشینی ناشی از رشد مدنیت.

اسفندیار زبردست، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، نیز بر موضوع بحران‌های مهاجرتی ناشی از تغییرات آب و هوایی کشور تأکید کرد و گفت: یکی از موضوعاتی که در آینده باید به آن توجه بیشتری کرد، بحث تغییرات اقلیمی است.

پیش از آن باید تمرکزمان را معطوف به سسرزمین خود کنیم که در چه شرایطی قرار دارد. اینکه قیمت ملک در خونسار طی مدت ۱۰سال به‌دلیل داشتن آب چندین برابر می‌شود این یعنی زنگ خطر برای سیاستگذاران که آب، منجر به هجوم افراد به این منطقه می‌شود، درحالی‌که که آمادگی در برابر بحران‌های طبیعی همچون زلزله تأکید کرد که تهران و پیروز حنچی، شهردار سابق تهران، نیز به آمادگی در برابر بحران‌های طبیعی همچون زلزله تأکید کرد که تهران و بسیاری از شهرهای تهران را در معرض خطر قرار داده است. بنابراین باید با ایجاد آمادگی، با کمترین تلفات و خسارات هنگام وقوع حوادث طبیعی مواجه شد. زلزله بم در پهنه‌های زلزله‌نگاری قابل پیش‌بینی نبود، اما اتفاق افتاده این نشان می‌دهد که باید با پدیده‌های طبیعی زندگی کنیم و برای آنها تصمیم‌گیری کنیم و گرنه با تبعات آن مواجه خواهیم شد. بنابراین، دانشستن برنامه و سنساریوهای حادثه، ما را ایمن می‌کند و رعایت آنها ایمن‌تر. باید به برنامه‌های تدوین‌شده پایبندباشیم و با رعایت آنها به ایمنی و آسایش نزدیک شویم.

در این سال از مجموع استان‌های کشور، تنها دو استان اندکی بارش مثبت را تجربه کردند و سیاستگذاران مدام هشدارهایی مبنی بر لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب می‌دادند. در این بین، راهکارهای گوناگونی به‌منظور بهبود تنش آبی پیشنهاد می‌شد. برخی از این راهکارها عبارت از شیرین کردن آب دریا، انتقال آب، تغییر الگوی کشت برخی محصولات و همچنین اصلاح قیمت آب بود که موافقان و مخالفانی داشت. برای مثال طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به منظور تامین آب شرب و صنعتی دو استان ساحلی و شش استان غیرساحلی مرکزی ایران یکی از این راهکارهاست. انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شمال شرق درحال‌حاضر ۱۹درصد پیشرفت فیزیکی داشته و طرح انتقال آب خلیج فارس به هرمزگان، یزد و کرمان، نیز رانندازی شده است.

در این طرح، سامانه شرقی برای انتقال آب به سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی تعریف شده و همچنین سه سامانه فزاهای یک تا سه خلیج فارس آب دریا را به هرمزگان، کرمان، یزد و در صورت نیاز اصفهان منتقل می‌کند. «باشگاه اقتصاددانان» روزنامه «دنیای اقتصاد» در این پرونده تلاش دارد هم‌زمان با آغاز سال آبی جدید، به بررسی دو مساله بحث‌برانگیز، یعنی «انتقال آب» و «کشاورزی در سال آبی ۱۴۰۴»، بپردازد.

## «پلاسما»بازیگر جدید دنیای رمزارزها

تتر در حال حاضر بیشترین حجم تراکنش‌ها را در بازار استیبل‌کوین‌ها دارد و علاوه بر USDT، استیبل‌کوین‌های دیگری بر پایه دارایی‌هایی مانند طلا منتشر می‌کند. اما با ایجاد پلاسما، تراکنش‌ها روی یک بلاک‌چین اختصاصی انجام می‌شوند و این امکان را فراهم می‌آورد که کارمزد تراکنش‌ها کاهش یابد و سرعت انجام آنها افزایش پیدا کند.

این اقدام می‌تواند نه تنها برای کاربران فردی، بلکه برای شرکت‌های بزرگ و نهادهای مالی که حجم بالایی از تراکنش‌های بین‌المللی دارند، سودمند باشد. یکی دیگر از جنبه‌های مهم پلاسما، امنیت و مدیریت ریسک تراکنش‌هاست. تتر قابلیتی دارد که به آن اجازه می‌دهد در شرایط خاص، دارایی‌ها را فریز کند. این قابلیت تنها روی تتر اعمال می‌شود و دیگر رمزارزها مانند بیت‌کوین یا اتریوم تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. برای کاهش ریسک، کاربران می‌توانند از استیبل‌کوین‌های غیرمتمرکز مانند DAI با تغییر شبکه انتقال تتر استفاده کنند تا امنیت دارایی‌های خود را افزایش دهند.

پلاسما می‌تواند به‌طور مستقیم بر اقتصاد دیجیتال تأثیر بگذارد. کاهش هزینه تراکنش‌ها و افزایش سرعت، امکان انجام معاملات کوچک و بزرگ را برای کسب‌وکارها و افراد فراهم می‌کند. این موضوع به رشد تجارت الکترونیک، بهبود نقدینگی و افزایش اعتماد به پرداخت‌های دیجیتال کمک می‌کند و پایه‌ای برای گسترش استفاده از استیبل‌کوین‌ها در سطح جهانی ایجاد می‌کند.

#### چشم‌انداز رقابت بلاک‌چین‌ها

پلاسما با وجود تازه تأسیس بودن، حمایت گسترده‌ای از سوی صرافی‌های بزرگ جهانی مانند بایننس و OKX دریافت کرده است. این حمایت‌ها نشان می‌دهد که بازار به آینده این بلاک‌چین امیدوار است و آن را به‌عنوان یک زیرساخت کلیدی در زمینه تراکنش‌های استیبل‌کوین‌ها می‌بیند. در مقابل، برخی صرافی‌ها مانند کوین‌بیس به دلیل رقابت مستقیم با تتر از حمایت از این پروژه خودداری کرده‌اند، اما این موضوع تأثیری بر روند رشد و پذیرش پلاسما نداشته است.

بازار رمزارزها در حال حاضر تحت تأثیر دو جریان اصلی قرار دارد: یکی پلتفرم‌های معاملاتی غیرمتمرکز بر پرسیپال و دیگری پروژه‌های مرتبط با استیبل‌کوین‌ها. پلاسما در جریان دوم قرار دارد و با توجه به اهمیت تتر و سهم بالای آن در تراکنش‌های جهانی، ظرفیت رشد قابل توجهی دارد.

با توجه به رشد سریع فناوری بلاک‌چین و افزایش پذیرش رمزارزها، پلاسما می‌تواند نقش کلیدی در شکل‌دهی به آینده پرداخت‌های دیجیتال داشته باشد. این شبکه می‌تواند به شرکت‌ها و کاربران امکان دهد تا تراکنش‌ها را با امنیت بالا، هزینه پایین و سرعت زیاد انجام دهند و از وابستگی به شبکه‌های دیگر جلوگیری کنند.

به‌طور کلی، پلاسما را می‌توان نقطه عطفی در مسیر تکامل بازار استیبل‌کوین‌ها دانست. بلاک‌چینی که با کارمزد پایین، پشتیبانی گسترده و سازگاری با زیرساخت‌های اتریوم ایجاد شده، می‌تواند به یکی از بازیگران اصلی در حوزه پرداخت‌های دیجیتال تبدیل شود. این پروژه می‌تواند مسیر تازه‌ای برای کاربران و شرکت‌ها ایجاد کند و نحوه استفاده از ارزهای دیجیتال را در معاملات روزمره و تراکنش‌های بین‌المللی متحول سازد.



راه‌اندازی پلاسما با تغییرات قانونی اخیر در ایالات متحده همزمان شده است. آمریکا در ماه‌های گذشته سه قانون جدید در زمینه استیبل‌کوین‌ها تصویب کرده است که هدف آن افزایش شفافیت، کاهش ریسک‌های مالی و تسهیل پذیرش عمومی این ارزهاست. این تحولات نشان می‌دهند که نظام پرداخت جهانی به مرحله جدیدی از تکامل رسیده است؛ مرحله‌ای که پرداخت‌ها نه تنها از پول نقد به کارت‌های بانکی منتقل شده‌اند، بلکه اکنون از کارت‌ها به کیف پول‌های دیجیتال و تراکنش‌های مبتنی بر بلاک‌چین در حال تغییر هستند.

با ایجاد پلاسما، تراکنش‌های تتر می‌توانند سریع‌تر و شفاف‌تر انجام شوند. این امر به‌ویژه برای کاربران و شرکت‌هایی که تراکنش‌های بین‌المللی دارند، اهمیت دارد، زیرا هزینه‌های تراکنش‌های بین‌المللی در حال حاضر یکی از چالش‌های اصلی پرداخت‌های دیجیتال است. شبکه پلاسما با کاهش این هزینه‌ها و افزایش سرعت تراکنش‌ها، می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان یک زیرساخت کلیدی در بازار استیبل‌کوین‌ها تثبیت کند.

علاوه بر این، تحولات قانونی و تصویب قوانین جدید، پذیرش عمومی استیبل‌کوین‌ها را در میان کاربران عادی و نهادهای مالی تسهیل می‌کند. این روند می‌تواند زمینه‌ساز رشد بیشتر پروژه‌هایی مانند پلاسما شود و اعتماد کاربران را به این نوع پرداخت‌ها افزایش دهد. مزیت دیگر این پروژه، کاهش وابستگی به بلاک‌چین‌های دیگر و تمرکز تراکنش‌ها بر شبکه‌های امن و اختصاصی است که می‌تواند جریان مالی جهانی را به‌طور موثرتری مدیریت کند.

#### پیامدهای سیاسی و تأثیر بر بازار جهانی

توسعه پلاسما هم‌زمان با تغییر رویکرد دولت آمریکا نسبت به پول دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) صورت گرفته است. سیاست جدید آمریکا نشان می‌دهد که تمرکز بر حمایت از نهادهای خصوصی صادرکننده استیبل‌کوین مانند تتر، سیرکل قرار دارد و مسیر پروژه دولتی مانند دلار دیجیتال فدرال‌رزرو متوقف شده است. این تصمیم باعث ایجاد رقابتی شدید میان نهادهای خصوصی برای تصاحب بازار جهانی استیبل‌کوین‌ها شده است و پروژه پلاسما نقش کلیدی در این رقابت ایفا می‌کند.



## کشف بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور

**ک**شایا جلیلوئند – میدان پازن هم‌اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد.

میدان پازن در استان فارس، یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های گازی خشکی کشور است. این میدان در ۲۰ کیلومتری جنوب استان فارس واقع شده است. بخش زیادی از این میدان در جنوب استان فارس و بخشی در جنوب استان بوشهر قرار دارد.

پس از اعلام وزیر نفت درباره کشفیات جدید گاز و نفت در میدان پازن، مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد: «میدان پازن هم‌اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد.»

پیش از این میدان خشکی کنگان بزرگ‌ترین میدان خشکی گاز ایران محسوب می‌شد و با توجه به اینکه میدان گازی کنگان در نیمه دوم عمر خود قرار دارد، پازن در آینده به یکی از مهم‌ترین منابع گازی کشور تبدیل می‌شود. میدان پازن در جنوبی‌ترین نقطه استان فارس و ۲۰ کیلومتری شهر جم واقع شده است. بخش زیادی از این میدان در جنوب استان فارس و بخشی در جنوب استان بوشهر قرار دارد.

میدان پازن دارای ابعاد سطحی ۵۰ در ۷۰ کیلومتر مشتمل بر دو کوهانک شرقی ۴۰ کیلومتر و کوهانک غربی ۳۰ کیلومتر است. با حفاری چاه اکتشافی پازن یک در سال ۱۳۹۴ وجود گاز در عمق ۳۸۰۰ متری این میدان به اثبات رسید و به منظور تکمیل اطلاعات و شناخت پهنشتر میدان و احتمال وجود گاز در افق‌های پایین‌تر چاه اکتشافی دوم پازن در اولویت وزارت نفت قرار گرفت و حفاری و تست‌های موردی در عمق ۴۶۰۰ متری در سال ۱۴۰۴ به انجام رسید.

از همین رو بود که برخی از رسانه‌ها دیروز شبهاتی نسبت به جدید بودن این کشف شکل دادند.طبق نوشته



## تاکتیک وارونه برای صرفه‌جویی سوخت

توسعه آزادراه‌ها با توجیه «صرفه‌جویی در مصرف سوخت» یک گزاره اشتباه است که بیان می‌شود. مهرباد تقی‌زاده، معاون پیشین حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی هشدار می‌دهد، توسعه معابر جاده‌ای نه تنها باعث کاهش مصرف سوخت نمی‌شود، بلکه با القای تقاضای سفر بیشتر، می‌تواند منجر به افزایش ترافیک و مصرف سوخت‌های فسیلی شود. این هشدار را پژوهش‌های متعددی در سطح جهان انجام شده نیز تایید می‌کنند.

تاکتیک وارونه برای صرفه‌جویی سوخت توسعه آزادراه‌ها بر مصرف سوخت را بررسی کرده، مشخص شده مهم‌ترین عواملی که بر مصرف سوخت در آزادراه‌ها اثرگذار است، نه کاهش مسافت، که فاکتورهایی از جمله مهارت رانندگی، توانایی تشخیص واکنش، سرعت رانندگی، هندسه جاده، وضعیت جاده، طرح خطوط، سناریوی رانندگی و ویژگی‌های جریان ترافیک است. در نتیجه با توجه به سیاست کشور در حوزه توسعه راسمازی، ضروری است که درک صحیحی از تغییرات مصرف سوخت در میان صاحب‌نظران ایجاد شود و معیارهای ذکر شده، در این پروژه‌های عمرانی و زیرساختی لحاظ شود. این درک صحیح البته، به منزله «توقف راسمازی و آزادراسمازی» نیست، بلکه ناظر بر واقعی کردن ارزیابی اثربخشی پروژه‌های عمرانی و اولویت‌بندی مبتنی بر اثر واقعی توسعه معابر جاده‌ای بر مصرف سوخت است.

روندهای کنونی عرضه و مصرف انرژی در جهان از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی دچار نوعی ناترازی است. اکنون بیش از ۵۰ درصد از مصرف نفت جهان مربوط به بخش حمل‌ونقل است و سه‌چهارم این سوخت نیز در جاده‌ها مصرف می‌شود. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است بدون اجرای سیاست‌های قوی و جدید، مصرف سوخت در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰دو برابر خواهد شد. در نتیجه در کنار سیاست‌هایی که برای بهینه‌سازی کارکرد انواع وسایل نقلیه نیاز است، توسعه بهینه مدهای حمل‌ونقل نیز یکی از ضرورت‌ها در راستای کاهش مصرف سوخت است. در میان انواع مدهای حمل‌ونقل، بخش جاده‌ای بزرگ‌ترین متقاضی مصرف سوخت است. از همین رو سیاست‌های جهانی به سمت کاهش برنامه‌های توسعه آزادراهی و تقویت توسعه دیگر مدها به ویژه ریلی سوق پیدا کرده است.

حادث حاضر سرمایه‌مصرف سوخت در ایران، روزانه ۴لیتر است که از سرانه مصرف جهانی (۳ لیتر) بالاتر است. در چهار سال گذشته مصرف بنزین در ایران ۱۰درصد رشد داشته و بر اساس پیش‌بینی‌ها با ادامه این روند تا سال ۱۴۰۷، مصرف بنزین به روزانه ۱۷۰میلیون لیتر خواهد رسید. شتاب چشم‌گیر توسعه آزادراه‌ها در ایران طی دو دهه اخیر حاکی از رابطه مستقیم این دو بخش با همدیگر است، چراکه بر اساس یک قاعده آزموده و پذیرفته شده جهانی، هرچه طول جاده‌ها بیشتر، تقاضای سفر بیشتر و این یعنی مصرف سوخت هم به همین نسبت بیشتر می‌شود.

**کلیدواژه اشتباه درباره صرفه‌جویی**

عبارت کلیدی که در ایران در توجیه توسعه معابر جاده‌ای مطرح می‌شود، «صرفه‌جویی در مصرف سوخت» است و احداث‌کنندگان پروژه‌های آزادراهی، با این گزاره بر جذابیت پروژه‌های خود می‌افزایند.

«حادث کامل قطعات یک و دو آزادراه تهران – شمال (پروژه‌ای به طول ۵۴ کیلومتر) سالانه ۱۰۰ میلیون لیتر صرفه‌جویی به دنبال خواهد داشت.» «فتتاح آزاد راه شیراز اصفهان (پروژه‌ای به طول ۲۲۲کیلومتر) سالانه ۱۳۰میلیون لیتر صرفه‌جویی در مصرف سوخت به همراه دارد.» اینها تنها نمونه‌هایی از تلاش‌ها برای اثمر کمتر نشان دادن پروژه‌های آزادراهی در کشور است که در سال‌های اخیر اعلام شده است. وزارت راه و شهرسازی نیز با همین گزاره، توسعه آزادراه‌ها را منجر به صرفه‌جویی در مصرف سوخت اعلام می‌کند.

خبرالله خامنی، معاون وزیر راه و شهرسازی در دولت سیزدهم درباره این صرفه‌جویی گفته بود، با فرض نبود آزادراه‌ها به دلیل تردد در راه‌های جایگزین و افزایش ۴۰۰کیلومتری مسافت طی‌شده هر خودرو، همچنین کاهش سطح سرویس و در نتیجه افزایش میزان مصرف سوخت به‌دلیل افزایش زمان سفر و حجم ترافیک، شاهد رشد چند صدمیلیون لیتری مصرف بنزین سالانه در کشور خواهیم بود.

نمونه شه‌ری این برآورد غلط نیز در جریان احداث بزرگراه صدر صورت گرفت. هدف اصلی این پروژه کاهش ترافیک و مصرف سوخت در سفرهای محور شرقی ل غربی در شمال پایتخت عنوان شده بود اما با گذشت چند سال از بهره‌داری، نه تنها ترافیک تراز صفر بزرگراه صدر کاهش پیدا نکرده، بلکه طبقه دوم نیز به یکی از گذرگاه‌های کانوئی ترافیک در ساعات اوج سفر در تهران تبدیل شد.

یکی از همین رسانه‌ها «میدان گازی پازن یک دهه پیش در سال ۱۳۹۴ کشف شده بود؛ اینکه وزیر نفت به جای حل بحران انرژی، اخبار نادرست از کشف‌میدان جدید بدهد و تیتیر رسانه‌ها شد، جای تاسف است.»

این در حالی است که سال ۱۳۹۴ تنها یک چاه اکتشافی ۳۸۰۰ متری حفاری شده بود و از آن زمان تاکنون

عملیات حفاری روی این میدان متوقف شده بود.

طبق گفته وزیر نفت «پس از توقف حدود ۸ ساله فعالیت‌های اکتشافی در این میدان، عملیات اکتشاف روی چاه دوم دوباره از سر گرفته شد. به‌طوری‌که حفاری چاه دوم اکتشافی چندی پیش به پایان رسید و بر اساس آزمایش‌های انجام‌شده روی این چاه، به این دستاورد قابل توجه دست یافته‌ایم.»

علاوه بر این حفاری چاه دوم به کشف لایه جدیدی منتج شده و ابعاد و حجم گاز درجای این میدان را وسعت بخشیده است. میزان گاز درجای این میدان با کشف این لایه جدید افزایش و حجم گاز نسبت به کشف اولیه به میزان ۱۰ تریلیون فوت مکعب افزایش یافته است. با توجه به ضریب بازیافت ۷۰ درصدی

میدان گازی کشور، به همین نسبت از این گاز قابل برداشت خواهد بود.

به عبارت دیگر رقم برداشت این میدان ۷ هزارمیلیارد فوت‌مکعب خواهد بود که معادل ۷ هزار روز تولید یک فاز پارس جنوبی است. به این ترتیب این میدان به اندازه حدود ۱۸ تا ۱۹ سال تولید یک فاز پارس جنوبی گاز دارد و از این رو عدد قابل‌ملاحظه‌ای محسوب می‌شود. همچنین حفاری چاه مذکور منجر به شناسایی یک لایه نفتی شد که حداقل نفت درجای آن حدود ۲۰۰میلیون بشکه نفت برآورد شده است که با اکتشافات بعدی این رقم افزایش خواهد یافت.

وزیر نفت در این زمینه با بیان اینکه نکته قابل توجه درباره آن است که برای نخستین بار، در ادامه عملیات اکتشافی، همکارانم در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در عملیات حفاری وارد افقی جدید شده‌اند که دست‌کم ۲۰۰میلیون بشکه نفت خام در خود جای داده است، افزود؛ بدیهی است با مطالعات تکمیلی که در ادامه عملیات اکتشاف انجام می‌شود، احتمال دستیابی به حجم‌های بالاتری از ذخایر نیز وجود دارد.

**جزئیات تازه از کشف ذخایر جدید در میدان پازن**

مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران با تشریح ابعاد تازه کشف ذخایر جدید در میدان پازن اعلام کرد: در ادامه مطالعات و عملیات حفاری چاه دوم این میدان، دو لایه مخزنی جدید شامل یک مخزن گازی به اندازه ۱۰ هزارمیلیارد فوت‌مکعب و یک مخزن نفتی با ذخیره قابل استحصال ۲۰۰میلیون بشکه شناسایی شده است. به گزارش شرکت ملی نفت ایران، سید محی‌الدین جعفری با اشاره به روند مطالعات انجام‌شده در حوزه میدان پازن گفت: عملیات حفاری چاه اکتشافی دوم این میدان پارسال آغاز شد و پس از انجام آزمایش‌ها و بررسی‌های دقیق، موفق به شناسایی دو لایه جدید نفتی و گازی شدیم.

وی ادامه داد: حجم گاز کشف‌شده جدید به همراه افزایش حجم اولیه در چاه دوم که در دولت چهاردهم به نتیجه رسید، حدود ۱۰ هزارمیلیارد فوت‌مکعب برآورد می‌شود و انتظار می‌رود با حفاری چاه سوم، این رقم افزایش یابد.

مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران با اشاره به اهمیت کشف ذخایر جدید گازی در میدان پازن گفت: حجم گاز کشف‌شده جدید در این میدان معادل ۷ هزار روز تولید یک فاز استاندارد پارس جنوبی است که می‌تواند نیاز گازی چهار استان کشور رابرای مدت بیش از ۱۸ سال تامین کند. جعفری تأکید کرد: میدان پازن هم‌اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد.

از آنجا که کشور در این سال‌ها از ناترازی شدید انرژی رنج می‌برد، کشف این میدان می‌تواند کمک شایانی در بخش تولید و افزایش عرضه انرژی داشته باشد، هرچند که تولید گاز ایران در حال حاضر به رقم بسیار بزرگ ۸۰۰میلیون مترمکعب در روز رسیده است و جهش‌های تولیدی بالاتر از این رقم با توجه به امکانات حاضر بعید و غیرمنطقی به نظر میرسد و با توجه به اینکه همواره تقاضا در حال افزایش است، برای کاهش ناترازی باید فعالیت‌هایی از سمت مصرف و بهینه‌سازی و تنوع سوخت انجام گیرد. باید گفت که دو میدان بزرگ خشکی و آبی گازی کشور (کنگان و پارس جنوبی) به نیمه دوم عمر خود رسیده‌اند و امکان تولید بیشتر از آنها وجود ندارد.

کل مصرف بنزین کشور در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۱۲میلیارد لیتر برآورد شده است که ۱۵ درصد از آن در استان تهران با تراکم جمعیت حدود ۱۴.۵ میلیون نفر اختصاص یافت. این مقدار مصرف‌شان‌دهنده روند افزایشی مصرف سوخت در استان تهران در مقایسه با سایر استان‌هاست، همچنین افزون بر افزایش تراکم جمعیت، افزایش سفرهای تابستانی، افزایش ترده‌های بین‌شهری و افزایش تعداد خودروهای شخصی نیز از عوامل تاثیرگذار بر مصرف بالای بنزین در این استان است.میانگین مصرف روزانه بنزین کشور در تابستان امسال ۱۳۴میلیون لیتر بوده که نسبت به مدت مشابه پارسال (تابستان ۱۴۰۳) با میانگین مصرف روزانه ۱۲۹میلیون لیتر، حدود ۵هلمیون لیتر افزایش یافته است، همچنین بیشترین رکورد مصرف بنزین تابستانی در روز ۲۲ شهریور با رقم مصرف ۱۵۴میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر ثبت شده است. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی شرکت ملی پخش فراآورده‌های نفتی ایران، میانگین آمار مصرف روزانه ماه‌های تیر، مرداد و شهریور امسال به‌ترتیب ۱۳۷، ۱۲۷ و ۱۴۱ میلیون لیتر بوده است که از روند صعودی افزایش میانگین مصرف روزانه، بیانگر افزایش میانگین مصرف تقاضا در دوره اوج سفرهای تابستانی است. این رشد نتهن‌ها ناشی از افزایش جابه‌جایی‌های بین‌شهری و استفاده گسترده از خودروهای شخصی بوده، بلکه اثر مستقیم تعطیلات رسمی و ترافیک درون‌شهری را نیز منعکس می‌کند.

# تاکتیک وارونه برای صرفه‌جویی سوخت

پروژه‌های آزادراهی در ایران اینگونه مطرح می‌شود که آنها منجر به کاهش مصرف سوخت خواهند شد، اینگونه توضیح می‌دهد که این یک تکرش اشتباه است؛ ضمن اینکه اشتباه دیگر، عدم محاسبه «تقاضای القایی» در مطالعات و آزادراه‌های ابتدایی است.

به گفته تقی‌زاده، تقاضای القایی یعنی زمانی که یک معبر خودرویی توسعه می‌یابد، انگیزه مردم برای استفاده از خودرو افزایش می‌یابد. این بدون گز افتکتور و با فرض ثابت بودن حجم تقاضای سفر، مصرف سوخت انجام گیرد، خروجی این خواهد بود که به دلیل کاهش مسافت طی شده، در مصرف سوخت صرفه‌جویی می‌شود. به عقیده او این توجیه در صورتی درست است که تقاضای القایی را در نظر نگیرند. اما اگر این نکته در نظر گرفته شود که با ساخت آزادراه، عدما به جای استفاده از حمل‌ونقل عمومی یا مدهای ریلی و هوایی، تمایل پیدا می‌کنند که با خودروی شخصی استفاده از سوخت کنند، معاملات به هم می‌خورد.

تقی‌زاده می‌گوید: اشتباه محاسباتی دیگر این است که با فرض افزایشی در نظر گرفتن تقاضا، این افزایش به صورت دروب‌ای در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که افزایش تقاضای القایی رخ می‌دهد که مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در واقع هرچه معابر بهتری ساخته شود، انگیزه مردم برای استفاده از خودروی شخصی به جای حمل‌ونقل عمومی افزایش پیدا می‌کند. به‌سایر گفته‌ها، اینکه این تقاضای القایی در حد یک، ۱۰ یا هزاران نفر خواهد بود، به ۲۲ عامل مختلف بستگی دارد که ما در همه آنها عملکرد منفی داریم. از وضعیت سوخت گرفته تا وضعیت ناسامان حمل‌ونقل عمومی و کمبود ناگان. بنابراین با کوچک‌ترین توسعه در معابر جاده‌ای، مردم به مصرف سوخت شخصی سفر کنند، معاملات به هم می‌کنند.

او در توضیح اینکه اگر حمل‌ونقل سبز توسعه پیدا نکند و مصرف سوخت‌های فسیلی کاهش یابد، یا در آن زمان نیز باید مخالف آزادراسمازی از جنبه مصرف سوخت بود یا خیر؟ می‌گوید: هر زمان که معبری توسعه می‌یابد، چه آزادراهی و چه غیرآزادراهی، مردم به سمت خودرومحوری سوق پیدا می‌کنند. ما در کشور سیستم حمل‌ونقل توسعه‌یافتگی نداریم. الان مردم برای دریافت یک بلیت قطار چالش‌های متعددی دارند و اگر در ابتدای ماه پیش‌خرید نکرده باشند، باید درازبانی کنند و از طریق آشنایان و دوستانی که احیانا نقشی در پروسه بلیت‌فروشی دارند، برای اخذ بلیت تلاش کنند. از طرفی با توجه به یارانه بنزین، سفر ریلی نیز هزینه بیشتری از سفر خودرویی دارد.

**مقایسه ایران و اروپا**

به گفته تقی‌زاده، این بنا بر مقایسه ایران با کشورهای نظیر بلژیک که در فاکتورهای توسعه حمل‌ونقل عملکرد قوی دارند باشد، آنها نیز به این مشکل اشاره کرده‌اند که توسعه جاده، تقاضای سفر را بیشتر می‌کند؛ هرچند در این کشورها به دلیل احداث معابر، تقاضای القایی حدود ۱۰درصد رشد خواهد کرد، اما در کشور ما با توجه به قیمت پایین سوخت، این رقم احتمالا به ۴۰درصد نیز خواهد رسید و مشکل ما بسیار حادتر است.

او تأکید دارد که خودروی برقی را اگر به عنوان معیاری از توسعه حمل‌ونقل سبز در نظر بگیریم، تنها تاثیر آن روی کاهش آلودگی هوا خواهد بود، اما همچنان مساله ترافیک در جای خود باقی خواهد ماند. به گفته تقی‌زاده، توسعه معابر جدید همواره منجر به رشد ترافیک خواهد شد. نمونه تقی‌زاده آن در تهران، بزرگراه شهید همت در مسیر تهران – کرج است که با هدف کاهش ترافیک احداث شد، اما در عمل منجر به رشد آن شد. حتی عریض‌سازی آزادراه‌ها نیز به دلیل وضعیت قیفی که ایجاد می‌کند، منجر به افزایش ترافیک خواهد شد. در کشور ما در حال حاضر حدود سه‌هزار کیلومتر معبر آزادراهی وجود دارد و بیش از ۷۵۰ کیلومتر آزادراه نیز در دست ساخت است. با این حال، تاثیر افزایشی که آزادراسمازی بر تقاضای سفر می‌گذارد، به معنای عدم نیاز کشور به راسمازی نیست؛ راسمازی لازم است تا فرسودگی معابر موجود جبران شود و علاوه بر افزایش امنیت سفر، دسترسی‌ها را نیز تسهیل کند. اما نکته بر این گزاره که آزادراسمازی الزاما منجر به کاهش مصرف سوخت می‌شود، نادرست است.

برای انتخاب میان آزادراسمازی و ریل‌سازی، باید نیازسنجی صورت گیرد. برای نمونه در صورت احداث یک معبر آزادراهی در یک مسیر مشخص، حمل بار تا چه اندازه تسهیل خواهد شد و حجم آن چه تغییراتی خواهد کرد؟ مصرف سوخت چه تغییراتی خواهد کرد و تقاضای سفر سندستخوش چه تغییراتی می‌شود؟

سپس بر اساس داده‌های موجود و برآوردهای کمی، اینکه توسعه حمل‌ونقل بر اساس کدامیک از مدهای موجود صرفه اقتصادی دارد، قابل تعیین است؛ اما اتکای صرف بر کوتاه شدن مسیر پیمایش برای اثبات کاهش مصرف سوخت، بدون در نظر گرفتن تقاضای القایی ترافیک، نمی‌تواند استدلال کافی در ارزش‌گذاری اقتصادی یک پروژه حمل‌ونقلی باشد.

### انرژی

**روزنامه**
**دراقتصاد**
www.marzeghtesad.ir

**دوشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۹**

**www.marzeghtesad.ir**

**❖ بازی جدید نفتی در خلیج فارس**

درحالی‌که کشورهای عربی خلیج فارس با فروش بخشی از زیرساخت‌های نفت و گاز خود به کنسرسیوم‌های بین‌المللی، میلیاردها دلار سرمایه جذب می‌کنند، ایران نیز با در اختیار داشتن گسترده‌ترین شبکه خطوط لوله در خاورمیانه و ظرفیت بالای انتقال نفت و گاز، می‌تواند از مدل‌های مشابه برای تامین مالی پروژه‌های انرژی و توسعه زیرساخت‌ها بهره گیرد.

تجربه موفق کشورهایمانند امارات و عربستان در واگذاری محدود دارایی‌ها بدون از دست دادن کنترل عملیاتی، می‌تواند برای ایران به‌ویژه در شرایط محدودیت‌های مالی و تحریم‌ها، الگوی قابل‌توجهی باشد.

در سال‌های اخیر، شرکت‌های ملی نفت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس رویکرد تازه‌ای را در مدیریت دارایی‌های خود در پیش گرفته‌اند؛ رویکردی که هدف آن تامین نقدینگی میلیاردری از زیرساخت‌های نفت و گاز، بدون واگذاری کنترل عملیاتی است. این الگو که ابتدا در امارات و عربستان آغاز شد، امروز به یکی از استراتژی‌های اصلی تامین سرمایه در منطقه بدل شده است.

امارات؛ پیشگام جذب سرمایه شرکت ملی نفت ابوظبی (ADNOC) از پیشگامان روند جذب سرمایه محسوب می‌شود. این شرکت در سال ۲۰۱۹ با ایجاد زیرمجموعه‌ای به نام «ADNOC Oil Pipelines» و اجاره ۱۸ خط لوله به کنسرسیومی متشکل از بلک‌راک (BlackRock) و KKR به مدت ۲۳ سال، توانست ۴میلیارد دلار سرمایه جذب کند. در این معامله، ۴۰ درصد سهام به سرمایه‌گذاران واگذار شد، درحالی‌که ADNOC مالکیت اکثریت و کنترل کامل عملیات را حفظ کرد.

در سال بعد، ADNOC بار دیگر با تاسیس Gas Pipelines و ADNOC، واگذاری ۳۹ درصد سهام به گروهی از شش سرمایه‌گذار بین‌المللی از جمله GIP، بروقفلند، صندوق ثروت ملی سنگاپور (GIC) و شرکت ایتالیایی Snam. حدود ۱۰میلیارد دلار دیگر جذب کرد. در سال ۲۰۲۴، شرکت سرمایه‌گذاری «Lunate» مستقر در ابوظبی سهام کنسرسیوم‌های بلک‌راک و KKR را خریداری کرد. این شرکت زیر نظر شیخ طحون بن زاید آل‌نهیان، مشاور امنیت ملی امارات، اداره می‌شود و به بازیگر کلیدی تازمای در بازار سرمایه‌گذاری انرژی منطقه تبدیل شده است.

ارامکو و تداوم خصوصی‌سازی ارامکو عربستان نیز در مسیر مشابهی گام برداشته است. این غول نفتی در سال ۲۰۲۱ شرکت «Aramco Oil Pipelines Co» را ایجاد کرد و ۴۹ درصد سهام آن را به کنسرسیومی به رهبری EIG Global Energy Partners (شامل واگذار نمود، ارزش این معامله ۱۲میلیارد دلار بود و شامل اجاره ۲۵ ساله خطوط لوله می‌شد. در همان سال، ارامکو با تشکیل شرکت «Aramco Gas Pipelines Co» و واگذاری سهم مشابهی به گروهی به رهبری بلک‌راک و شرکت سرمایه‌گذاری «Hassana» حدود ۱۵میلیارد دلار دیگر به دست آورد. در سال جاری (۲۰۲۵)، ارامکو بار دیگر با امضای قراردادی به ارزش ۱۱میلیارد دلار با کنسرسیومی به رهبری Global Infrastructure Partners (که از سال ۲۰۲۴ در مالکیت بلک‌راک قرار دارد) زیرساخت‌های مرتبط با پروژه میدان گازی «جعفریه» را واگذار کرد.

ایس‌ این میدان بزرگ‌ترین پروژه گاز غیر همراه در عربستان سعودی است که ارامکو آن را با هدف تامین گاز داخلی، توسعه صنایع پایین‌دستی و کاهش وابستگی به نفت خام اجرامی‌کند. ارامکو در تمام این معاملات مالکیت اکثریت و کنترل عملیاتی را حفظ کرده است. به گزارش رویترز، ارامکو اکنون قادر شد تا پنج تریلوگه گازسوز خود را نیز بفروشد؛ اقدامی که می‌تواند تا ۴میلیارد دلار نقدینگی جدید ایجاد و بخشی از طرح گسترده‌تر این شرکت برای آزادسازی سرمایه و افزایش انعطاف مالی باشد.

عنان؛ ورود به بورس برای جذب سرمایه عمومی در عمان، شرکت ملی نفت و گاز ارامکو آن را با هدف ۲۰۲۳ با عرضه اولیه سهام واحد خطوط لوله گاز خود (OQ Gas Networks) و فروش ۴۹ درصد سهام در بازار سهام مسقط، حدود ۷۵۰میلیون دلار سرمایه جذب کرد. سرمایه‌گذاران کلیدی این عرضه شامل صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF)، نهاد سرمایه‌گذاری قطر (QIA) و شرکت بلژیکی Fluxys بودند. دولت عمان با حفظ ۵۱ درصد سهام، کنترل عملیاتی این شبکه را در دست دارد.

شرکت Bapco Energies بحرین نیز سال گذشته با فروش بخشی از سهام خط لوله نفتی مشترک با عربستان به صندوق زیرساخت بلک‌راک، نخستین تجربه خود را در واگذاری زیرساخت‌های انرژی رقم زد. اگرچه ارزش این معامله اعلام نشد، اما به گفته منابع نزدیک، این اقدام نقطه آغاز سیاست جدید بحرین برای استفاده از دارایی‌های نفتی جهت تامین منابع مالی است.

در شرایطی که منطقه خلیج فارس شاهد شکل‌گیری موج تازه‌ای از واگذاری دارایی‌های انرژی است، ایران با برخورداری از ظرفیت‌های عظیم خطوط لوله، پتروشیمی و زیرساخت‌های صادراتی، می‌تواند با طراحی مدل‌های نوپی و شفاف مشابه، منابع تازه‌ای برای جذب سرمایه داخلی و خارجی باز کند. تجربه همسایگان نشان داده که «پولی‌سازی هوشمند دارایی» لزوما به معنای واگذاری مالکیت نیست، بلکه می‌تواند ابزاری کارآمد برای تقویت نقدینگی، تسریع پروژه‌ها و حفظ کنترل ملی بر منابع انرژی باشد.



## صادقی: این استقلال ساینتو نیست!



**عرفان حمیدی** – تیم فوتبال استقلال با ناکامی به تعطیلات لیگ رفت، تیمی که با وجود جذب بازیکنان مطرح تاکنون نتوانسته خواسته هواداران خود را بر آورده کند.

تیم فوتبال استقلال با ناکامی به تعطیلات لیگ رفت، تیمی که با وجود جذب بازیکنان مطرح تاکنون نتوانسته خواسته هواداران خود را بر آورده کند. نتایج اخیر آبی‌ها در لیگ برتر و لیگ ۲ قهرمانان آسیا باعث شد تا زرمزه‌هایی در خصوص برکناری ریکاردو ساپینتو مطرح شود که البته به نظر می‌رسد این موضوع فعلاً منتفی است اما قطعاً ساینتو برای تثبیت جایگاه خود در استقلال کار بسیار سختی در پیش دارد.

امیرحسین صادقی، مدافع اسبق تیم‌های ملی و استقلال در خصوص شرایط این تیم به «ایران ورزشی» گفت: «لازم است که در اینجا برخی از نکات را بگویم. موضوع اول در استقلال بحث مدیریت کلان باشگاه است. هلدینگ خلیج‌فارس به عنوان مالک باشگاه برای باشگاه استقلال نیامده و قطعاً مالک باشگاه به دلیل ارزش زیاد تیم فوتبال استقلال مالکیت باشگاه را برعهده گرفت چرا که به واسطه تبلیغات این باشگاه می‌تواند درآمد کسب کند. وظیفه مالک باشگاه ساخت ورزشگاه، زمین تمرینی و هتل است که البته مالک باشگاه در این حوزه ورود نکرده است.»

او صحبت‌های خود را ایین‌گونه ادامه داد: «در زمانی که با تیم ملی به جام جهانی رفتم، زمین تمرین تیم ملی، زمین تمرینی یکی از تیم‌های باشگاهی آلمانی بود. با دیدن آن زمین تمرینی هموار غیبه خوردم که چرا نباید فوتبال ما در چنین زمینی برگزار شود؟ آن تیم ۵ زمین تمرینی داشت که لذت بازی کردن در آن از استادیوم آزادی بیشتر بود. تیمی که می‌خواهد در آسیا مدعی باشد باید بزرگ فکر کند و کارهای بزرگی همچون ساخت ورزشگاه انجام دهد.» مدافع وسط سابق آبی‌ها در خصوص دومین موضوع این گونه صحبت کرد: «جذب بازیکن موضوعی است که به نظر می‌رسد در باشگاه استقلال به صورت رفاقتی یا مسائل دیگری بوده است. کدام یک از بازیکنان فعلی را ساینتو گرفته؟ این استقلال برای ساینتو نیست، چرا که بازیکنان جذب شده گزینه‌های این مربی نبودند و مدیران در غیاب او با بازیکنان قرارداد امضا کردند. همین حالا استقلال در برخی پست‌ها بازیکن می‌خواهد و تیم به یک مدافع وسط، یک مهاجم و ۲ بازیکن در پست هافبک نیاز دارد.»

صادقی بیان داشت: «سومین موضوع در خصوص استقلال بحث ملی‌پوشان زیاد این تیم است. باشگاه استقلال در ففادی پیشین ۷ بازیکن ملی‌پوش داشت

که این بازیکنان به همراه تیم ملی به مسابقات کافا اعزام شدند. اگر من مسئول تیم بودم، نمی‌گذاشتم این بازیکنان به کافا بروند. استقلال امسال برای کسب نتیجه در مسابقات لیگ و آسیایی هزینه زیادی کرده و قطعاً مدیران باشگاه می‌خواهند که تیم نتیجه بگیرد اما بازیکنان از همان ابتدا به هماهنگی نرسیدند چرا که دعوت این تعداد بازیکن در آغاز لیگ باعث می‌شود تا این هماهنگی به وجود نیاید و تیم به نتیجه مورد نظر نرسد.» او گفت: «عارف آقاسی از تیم ملی به استقلال آمد و اشتباهات بسیاری داشت که البته او در زمان حضور در تراکتور هم چنین اشتباهاتی داشت اما من با روحیات عارف آشنا هستم و او روحیه پایینی دارد. در همان ابتدا دستیار خارجی ساینتو او را تخریب کرد؛ این در صورتی است که اگر من سرمربی تیم باشم باید به اندازه روحیات آقاسی با او برخورد کنم چرا که آشنایی با روحیات و نوع برخورد با بازیکنان وظیفه سرمربی تیم است. زمانی مربی من در استقلال امیر قلعه‌نویی بود که اگر سر من داد نمی‌زد فکر نمی‌کردم که عملکردم اشتباه است. خصوصیات پرتغالی‌ها بدبین بودن است که ساینتو هم چنین اخلاقی دارد.»

این مدافع اسبق آبی‌ها در ادامه بیان داشت: «موضوع بعدی در خصوص استقلال بحث نگهداری و مراقبت از بازیکنان تیم است. برای این تیم هزینه زیادی شده اما آیا ما از بازیکنان استقلال نگهداری می‌کنیم؟ کدام یک از مسئولان چنین وظیفه‌ای دارند؟ هیچ مراقبتی صورت نمی‌گیرد و این یکی از مشکلات تیم است. به نظر می‌رسد که باشگاه فقط در هنگام تمرین و بازی به بازیکنان نیاز دارد و پس از آن بازیکنان هر کاری که دلشان می‌خواهد می‌کنند.»

صادقی در خصوص دریافت پول‌های کلان توسط بازیکنان این تیم افزود: «این پول‌ها در فوتبال ما چیزی نیست و این مبلغ به دلیل بی‌ارزش شدن پول ما پرداخت می‌شود. البته برخی از بازیکنانی که این پول‌ها را دریافت می‌کنند، چون کاستی‌های زیادی دارند، این پول‌ها برای آنها زیاد است اما هر بازیکنی به اندازه ارزش خودش پول می‌گیرد. البته در تیم فقط ۵ یا ۶ بازیکن چنین پول‌هایی دریافت می‌کنند و باشگاه برای بازیکنان دیگر تا این حد هزینه نمی‌کند. در بحث ارزشگذاری بازیکنان سایت ترانسفر مارکت وجود دارد و این سایت ارزش بازیکنان را اعلام می‌کند. باور می‌کنید که ارزش من در ترانسفرمارکت ۸۰۰ هزار دلار است؟» او در انتها در خصوص ضعف استقلال در دفاع وسط تصریح کرد: «در زمان حضور مجتبی جباری، دستیار او هادی شکوری به من گفت که با دو هفته تمرین می‌توانی در لیگ بازی کنی. البته صحبت‌های شکوری شوخی بود اما حقیقتاً نه تنها در استقلال بلکه تمام تیم‌های لیگ برتر در پست دفاع وسط ضعف دارند. موضوعی که حالا به تیم ملی هم کشیده شده و باعث شده تا تیم ملی هم در این پست به مشکل بخورد.»

**مأموریت بزرگ ساینتو؛ ساختن دیوار آبی**

استقلال فصل جدید را با امیدها و اهداف بزرگ آغاز کرد؛ از حضور در فینال سوپر جام گرفته تا شروعی پرنرژری در لیگ برتر که با برد مقابل تراکتور همراه شد ولی دوامی نیاورد و خیلی زود آن برد به دست فراموشی سپرده شد. بخش عمده‌ای از این ناکامی که هم در لیگ برتر و هم لیگ دوی نخبگان آسیا همه را تحت تأثیر قرار داد، ناشی از عملکرد ضعیف دفاعی است.

در حالی که انتظار می‌رفت آبی‌پوشان با ساختار فنی مستحکم‌تری نسبت به گذشته با به میادین بگذارند، آمار گل‌های خورده چیز دیگری می‌گوید.

در ۹ مسابقه رسمی، استقلال ۱۸ بار دروازه خود را باز شده دیده است؛ آمارى که نه‌تنها برای تیمى مدعى قهرمانى، بلکه در کل تاریخ باشگاه بی‌سابقه به نظر می‌رسد.

تنها نقطه روشن عملکرد دفاعی استقلال در این مدت، دیدار هفته نخست لیگ برتر برابر تراکتور بود؛ جایی که شاگردان ساپینتو موفق شدند تنها گلین‌شیت فصل خود را ثبت کنند. پس از آن، در هر دیدار دروازه آبی‌ها گشوده و ضعف‌های دفاعی به شکل نگران‌کننده‌ای تکرار شده است.

**فاجعه الوصل و ادامه نزلزل**

شکست سنگین برابر الوصل امارات در لیگ نخبگان آسیا که با دریافت هفت گل همراه بود، نقطه اوج بحران دفاعی استقلال محسوب می‌شود. هر چند بعد از آن بازی، تیم از نظر تمرکز و هماهنگی کمی بهبود یافت، اما در ادامه باز هم پنج گل دیگر دریافت کرد تا مجموع گل‌های خورده به عددی برسد که برای تیمی در سطح استقلال بسیار غیرقابل‌قبول است.

ساینتو به ذات امری‌ای با تفکرات هجومی شناخته می‌شود، باید در وقفه مسابقات، بخش عمده انرژی خود را صرف بازسازی ساختار دفاعی تیم کند. استقلال در فاز تهاجمی، تیمی خطرناک و موفقیت‌ساز است، اما در فاز دفاعی ضعف‌های پایه‌ای دارد که تنها با تمرینات فنی و ذهنی هدفمند قابل رفع است.

<span>از اول هم مثل روز روشن بود که با ادامه همان سبک بازی و کیفیتی که پرسپولیس در دو بازی اخیر ارائه داده بود مقابل گل‌گهر نتیجه نخواهد گرفت. تیم تارنار شروع سرحالی در فصل جدید داشت و خوب امتیاز جمع کرده بود و در عوض پرسپولیس گنج و مستأصل به نظر می‌رسید و البته هر بازی چند بازیکن تعیین‌کننده‌اش را نداشت.</span>
<span>برای بازی با گل‌گهر چند نفر از مصدومان رسیدند و شرایط نیمکت کمی بهتر شد. ترکیب اصلی فقط یک تغییر داشت و به نظر می‌رسید این بار شروع و ادامه بهتری از پرسپولیس ببینیم. اتفاقاً همین طور هم شد و نیمه اول پرسپولیس در فرم بازی نمایش قابل قبولی داشت. تیم هاشمیان برخلاف بازی‌های قبلی بالا بازی می‌کرد، فاصله خط دفاع تا نوک حمله کم شده بود و میدانداری صحیح و چرخاندن اصولی توپ در تمام نقاط زمین کاری کرده بود تا تیم تارنار از نیمه جلوتر نیاید. متعاقب این نمایش خوب دو موقعیت خیلی خوب تا دقیقه ۱۲ ایجاد شد تا همه توی دل بگوئیم نه، انگار این بار کمی فرق می‌کند اما نمایش تهاجمی تیم هاشمیان باز هم دولت مستعجل بود و بس.</span>
<span>پرسپولیس توانست همان ریتم خوب شروع بازی را تا اواخر نیمه نخست حفظ کند و با کمی فراز و فرود همچنان تیم برتر زمین باشد اما بعد از آن دو موقعیت خوب دوباره در خلق شانس گلزنی عاجز نشان داد و سر آخر یک شانس گل هم به حریف داد.</span>

### بازگشت به روزهای روشن



باشگاه بارسلونا پس از سال‌ها دست و پنجه نرم کردن با مشکلات مالی، رسماً اعلام کرد که بحران مالی خود را پشت سر گذاشته است. گزارش‌های مالی اخیر این باشگاه نشان می‌دهد که روند بهبود اقتصادی همچنان ادامه دارد و بارسا آماده ورود به فصل جدید با ثبات مالی و قدرت بیشتر است.

بر اساس صورتهای مالی فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ و بودجه فصل آتی که در آستانه مجمع عمومی باشگاه منتشر شده، بارسلونا برای دومین سال متوالی موفق شده با سود عملیاتی مثبت فصل را پایان دهد. این دستاورد در حالی حاصل شده که تیم در فصل گذشته به دلیل ناتوانی در استفاده از ورزشگاه اصلی خود، مسابقات را در ورزشگاه المپیک مونچوبیک برگزار می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین علانم بهبود، افزایش ششگمدر درآمد‌های باشگاه است که به عدد ۹۹۴ میلیون یورو رسیده است. این موفقیت به ویژه با بازگشت به ورزشگاه اسپاتیفای نوک‌ب و رشد ۵ میلیون یوروآمدهای مرتبط با تماشاگران تقویت خواهد شد. بارسلونا در بیانیه خود تأکید کرده که ترکیب نتایج ورزشی مطلوب و حضور پرشور هواداران، باعث رشد درآمدهای مرتبط با ورزشگاه شده و به تثبیت روند مثبت مالی کمک کرده است.

یکی دیگر از نکات برجسته گزارش، کاهش بدهی‌های باشگاه به ۴۶۹ میلیون یورو است که نسبت به سال گذشته حدود ۹۰ میلیون یورو کمتر شده و نشان از مدیریت دقیق‌تر و کارآمدتر دارد. همچنین نسبت دستمزدها به درآمد عملیاتی نیز به ۵۴ درصد کاهش یافته که این رقم در چهارچوب قوانین سختگیرانه یوفا برای باشگاه‌ها قرار دارد و نسبت به سال قبل بهبود یافته است.

در حوزه حمایت‌های مالی، قراردادهای مهمی مانند همکاری با نایکی و مشارکت‌های استراتژیک دیگر به بالاترین رقم تاریخی خود، یعنی ۲۵۹ میلیون یورو رسیده‌اند. علاوه بر این، بخش فروش کالا با رشدی ۵۵ درصدی نسبت به سال گذشته به درآمد ۱۷۰ میلیون یورویی دست یافته است که از نشانه‌های مثبتی روزافزون این باشگاه است.

بارسلونا با پیش‌بینی درآمد عملیاتی بیش از یک میلیارد یورو در فصل جاری و انتظار سود قبل از مالیات حدود پنج میلیون یورو، آماده است تا فصل جدید را در شرایطی کاملاً متفاوت از گذشته آغاز کند. بازگشت به ورزشگاه خانگی و بهبود وضعیت مالی، نویدبخش دوره‌ای طلایی برای این غول فوتبال اروپا است.

از سوی دیگر، باشگاه به توسعه فعالیت‌های دیجیتال و بین‌المللی خود نیز توجه ویژه‌ای دارد؛ بارسلونا اکنون با بیش از ۲۵ میلیون دنبال‌کننده در کانال یوتیوب خود، برمخاطب‌ترین باشگاه ورزشی جهان محسوب می‌شود. همچنین ثبت رکورد حضور تماشاگران در دیدار افتتاحیه جام گامپر، نشان از شور و شوق هواداران برای حمایت از تیم دارد.

در مجموع، این گزارش مالی نه تنها پایان یک بحران طولانی‌مدت را نوید می‌دهد، بلکه آغازی پرامید برای بارسلونا در مسیر موفقیت‌های ورزشی و اقتصادی است؛ باشگاهی که بار دیگر آماده‌است تا به جایگاه واقعی خود در فوتبال جهان بازگردد.

## برداشت غلط از استوری علیپور

در عین حال حتی اگر بازیکنان با درویش رابطه خوبی نداشته باشند یا نخواهند که در این روزهای سخت حامی مدیر عامل باشگاهشان باشند اینطور هم نیست که پشت وحید هاشمیان در بیابند یا حمایت قاطعانه‌ای از سرمربی تیم خود داشته باشند.نکتته جالب اینجاست که بعد از حضور اسماعیل کرئال بر رأس کلرفنی این تیم موج حمایت عجیبی در بین بازیکنان پرسپولیس از این مربی ترک به وجود آمد و حتی برخی نفرات مثل سروش رفیعی گفتند مثل آنچه در زمان برانکو اتفاق افتاد شرایط طوری خواهد شد که همه می‌گویند «هر چه کار تال بگویند» اما از وقتی هاشمیان آمده هر هفته که تیم پرسپولیس نتیجه نمی‌گیرد و انتقادها شدت گرفته است هیچ بازیکنی صراحتاً و قویاً از وحید هاشمیان تعریف نکرده و هیچ‌کس پشت او در نیامده است. این مهم نشان می‌دهد بازیکنان پرسپولیس با وجود احترامی که برای سرمربی خود قاآلند حمایت سفت و سختی از او به عمل نمی‌آورند و تا وقتی جایگاهشان در خطر نباشد برای بقای او با بالا بردن جایگاهش نزد هواداران استین بالا نخواهند زد.

**بلای که سر گاردیو آمد چراغ هاشمیان**
خوان کارلوس گاردیو فصل قبل شروع خوبی در پرسپولیس داشت. او دربی را برد و امتیازات مناسبی جمع کرد. تیم او مقابل الاهلی عربستان قهرمان فصل قبل لیگ نخبگان نمایش

#### ورزش

## روزنامه در اقتصاد

**دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴** | شماره ۸۵۹ | **www.marzeghtesad.ir**

<b>▼ دوری از تیم ملی سخت ترین روزهای زندگی‌ام بود</b>
بهنام طاهرخانی، کاپیتان باتجربه فوتبال بانوان ایران و بازیکن تیم ملوان، از روزهای سخت و شیرین فوتبالش می‌گوید؛ از دوری یکساله از تیم ملی تا بازگشت دوباره با انگیزه‌ای بیشتر. او باور دارد سن فقط یک عدد است و آینده فوتبال بانوان ایران با پشتکار بازیکنان و حمایت مسئولان می‌تواند در سطح آسیا و حتی جهان بدرخشد.
علاقه‌تان به فوتبال از کجا شروع شد و چه کسی بیشترین تأثیر را داشت؟
علاقه من به فوتبال از دوران کودکی شکل گرفت و خانواده‌ام همیشه پشتیبانم بودند. همچنین دوست دارم از مریم خانم جعفری قدرانی کنم که با اعتماد و راهنمایی‌های ارزشمندشان مسیر فوتبالی‌ام را هموار کردند.
شرایط فعلی فوتبال بانوان ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟
فوتبال بانوان در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته و بازیکنان مستعد و باتalیزه‌ای در تیم ملی حضور دارند. البته اگر حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جدی‌تر شود، می‌توانیم به جایگاه‌های بالاتری در آسیا و حتی عرصه جهانی برسیم. من مطمئنم با تلاش بازیکنان و حمایت مسئولان، آینده فوتبال بانوان ایران روشن خواهد بود.
کاپیتان بودن در تیم ملی و باشگاه چه مسئولیتی برایتان دارد؟
کاپیتانی مسئولیت بزرگی است. اما من آن را فرصتی برای کمک به هم‌تیمی‌ها و ایجاد انگیزه می‌دانم. با تمرکز بر تمرینات، حفظ روحیه تیم و همکاری نزدیک با مربیان، سعی می‌کنم فشارها را مدیریت کرده و انرژی مثبت را به تیم منتقل کنم. برای من مهم است که همه با هم پیشرفت کنیم و بهترین نتایج را به دست آوریم.
عملکرد اسمال ملوان نقش شما در تیم چگونه بوده است؟
خیلی خوشحالم که اسمال در کنار تیم جوان، متحد و انگیزه ملوان بازی می‌کند. بازیکنان ما استعداد زیادی دارند و مطمئنم اگر فرصت داشتیم چند بازیکن با تجربه بیشتر به تیم اضافه شود، می‌توانستیم عملکرد بهتری داشته باشیم و قطعاً نتایج بهتری هم می‌گرفتیم. برای من سن فقط یک عدد است؛ آنچه اهمیت دارد تلاش، تمرکز و عشق به فوتبال است. ترکیب تجربه من با انرژی بازیکنان جوان باعث می‌شود عملکرد خوبی داشته باشیم. هواداران ازلی هم همیشه با حمایت‌های پرشورشان انگیزه ما را دوچندان می‌کنند.
سخت‌ترین لحظه ورزشی‌تان چه بوده است؟
حدود یک سسال و نیم از تیم ملی دور بودم و این فاصله برایم بسیار سخت بود. اما همین جدایی به من یادآوری کرد که چقدر به تیم ملی کشورم عشق می‌ورزم. در آن دوران با وجود همه چالش‌ها تلاش کردم بهترین عملکردم را حفظ کنم تا برای بازگشت آماده باشم. این تجربه به من آموخت که صبر، پشتکار و تمرکز بر هدف، کلید عبور از سخت‌ترین شرایط است.
بزرگترین آرزوی فوتبالی شما چیست؟
بزرگترین آرزویم این است که همیشه با تعهد و تلاش، بهترین عملکردم را برای تیم ملی و باشگاه‌ام ارائه دهم و در موفقیت‌های ملی و بین‌المللی سهم داشته باشم. امیدوارم الهام‌بخش بازیکنان جوان‌تر باشم و نقشی در رشد فوتبال بانوان ایران ایفا کنم.
اگر به گذشته بازرگردید، چه توصیه‌ای به نوجوان فوتبالیست خودتان دارید؟
اگر به گذشته برگردم، به نسخه نوجوان خود می‌گفتم که همیشه به تلاش و تمرین‌های مستمر ایمان داشته باش و هیچ وقت انگیزه و عشق به فوتبال را از دست نده. همچنین به خودشان یادآوری می‌کردم که صبر و پشتکار، همراه با احترام به تیم و هم‌تیمی‌ها، مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به موفقیت است.
■ .....
<b>♥ بی احترامی یک بازیکن ، جرقه جدایی</b>
هر گاه پرسپولیس روند پر فراز و نشیبی را طی می‌کند ناخودآگاه نگاه‌ها به سمت مربی می‌چرخد که موفقیت‌های متعددی را با این باشگاه به دست آورده است. برانکو آیوانکوویچ، مربی سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس یکی از مربیان موفق سرخ‌ها در سال‌های گذشته بود که توانست با این تیم به قهرمانی لیگ برتر و صعود به فینال لیگ قهرمانان آسیا دست یابد. در واقع نام برانکو به عنوان یک اترناتیو جدی همواره مطرح بوده اما سرمربی پرسپولیس همیشه تلاش کرده اظهاراتی انجام ندهد که موجب ایجاد حساسیت در این باشگاه شود.
صحت با سرمربی سابق پرسپولیس نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند که برانکو نسبت به جایی که پیش‌تر در آن فعالیت داشته همواره با احتیاط صحبت می‌کند.
برانکو در گفت‌وگو با «ایران ورزشی» در خصوص حضورش در تیم‌های ملی عمان و چین گفت: «حضور در این دو تیم تجربه خوبی بود.» او در خصوص احتمال حضورش در جمع سرخ‌پوشان بیان داشت: «فعلاً هیچ برنامه‌ای ندارم و ترجیح می‌دهم مذاکره‌ای نداشته باشم. البته برای آینده برنامه‌هایی دارم و پیشنهادهایی به دستم رسیده است که برای موافقت با این گزینه‌ها باید شرایط همکاری وجود داشته باشد.»



### هاشمیان به ته خط رسید



است. چهار پاس گل در پنج بازی نخست آماری استثنایی است که نشان می‌دهد این بازیکن دقیقاً همان گزینه‌ای است که انگلیس برای حل مشکل همیشه‌گی سمت چپ خط حمله‌اش نیاز دارد.

در حالی که غیبت بازیکنانی مانند جود بلینگام و فیل فودن به نوعی قابل توجه است، توخل هیچ توجه قابل قبولی برای کنار گذاشتن گریلیش ارائه نکرده است. بلینگام تازه پس از جراحی به میادین بازگشته و فودن هنوز به سطح مطلوب سابقش نرسیده، اما گریلیش با نمایش‌های درخشانش به وضوح ثابت کرده که آمادگی حضور در تیم ملی را دارد.

او نه تنها در اورتون نمایش درخشانی داشته، بلکه در بازی اخیر مقابل کریستال پالاس، با گل دیرهنگام خود پیروزی تیمش را رقم زد و عنوان بهترین بازیکن زمین را کسب کرد.
جک در مصاحبه‌ای پس از بازی با تواقع تمام گفته است که به تصمیم سرمربی احترام می‌گذارد و تمرکز خود را روی باشگاهش قرار داده است، اما واقعیت این است که او شایسته حضور در تیم ملی است.

مشکل بزرگ انگلیس در پست وینگر چپ به وضوح قابل مشاهده است. بازیکنانی چون انتونی گوردون و مارکوس رشفورد، هر چند ناهای شناخته شده‌ای هستند، اما قابلیت‌های فنی و فوتبال هوشمندانه گریلیش را ندارند. گوردون در سطح جهانی گاهی غیاب‌ت باز کرده و رشفورد نیز به دلیل عملکرد ناپایدارش در بارسلونا چندان قابل اتکا نیست.

گریلیش همان بازیکنی است که می‌تواند کلید باز کردن درهای دفاعی تیم‌های سختگیر در جام جهانی باشد؛ بازیکنی با هوش بالا، خلاقیت بی‌نظیر و تجربه قهرمانی با منچسترسیتی. تنها مشکلی که گریلیش دارد کمبود گل‌های زده در تیم ملی است که آن هم تحت تأثیر تانکیک‌های پپ گواردیولا بوده است؛ مربی‌ای که از او می‌خواست ریسک نکند و بیشتر تمرکز روی پاس دادن داشته باشد تا شوت زدن.

اما دیوید مویس سرمربی اورتون، از گریلیش خواسته که برخطرتر بازی کند و در موقعیت‌های گلزنی بیشتر شجاعت به خرج دهد و این تغییر در سبک بازی او کاملاً مشهود است. اگر گریلیش بتواند این روند را ادامه دهد، دیگر توخل نمی‌تواند چشم روی او ببندد.

این فرصت طلایی در شرایطی است که جام جهانی ۲۰۲۶ تنها چند ماه دیگر برگزار می‌شود و توخل باید هر چه سریع‌تر بهترین ترکیب تیمش را پیدا کند. ماندن روی بازیکنان ثابت و امتحان پس‌داده ممکن است باعث شود تیم ملی انگلیس همان مشکلات خط حمله را دوباره تجربه کند، مشکلاتی که در پورو ۲۰۲۳ هم به وضوح دیده شد.

نتیجه بازی با گل‌گهر هم ناامیدکننده بود و به همین خاطر تنها بازیکنی که بعد از این بازی روی حرف زدن و مصاحبه داشت کسی نبود جز علی علیپور که با چهارمین گلش در ششمین بازی به عنوان تنها گلزن تیم پرسپولیس در این فصل تصور می‌شد حداقل وظیفه شخصی خودش را به درستی انجام داده است.

هر چند علیپور مثل همبازنشست بدون انجام مصاحبه ورزشگاه شهرقدس را ترک کرد اما بعد از این بازی یک استوری اینستاگرامی خطاب به هواداران پرسپولیس منتشر کرد و به آنها امیدواری داد که در هفته‌های آتی شرایط تیم محبوب‌شان بهتر خواهد شد.

جالب اینکه بعد از انتشار این استوری با توجه به اینکه علیپور در متن خود به بازیکنان و کادر فنی اشاره کرده بود این‌گونه برداشت شد که بازیکنان از مدیرعامل باشگاه عبور کرده‌اند و در روزهای که درویش و هاشمیان سیبل شعارها و انتقادات هواداران هستند ترجیح می‌دهند از سرمربی تیم خود حمایت کنند.

با این وجود به نظر می‌رسد این یک برداشت کاملاً غلط از متن نوشته علیپور باشد چرا که تجربه تاریخی نشان داده در تیم‌های بزرگ، بازیکنان تا زمانی که منفعی نداشته باشند چه در فضای مجازی چه در مصاحبه‌های خود حمایت واضحی از سرمربی یا مدیر باشگاه خود انجام نمی‌دهند.

**صاحب امتیاز:** موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین**مدیر مسئول:** ابوالفضل حمیدی**چاپ:** جام جم**آدرس:** تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز، البرزیکم، پلاک ۶**تلفن:** ۰۲۱-۴۹۱۵۰۰۰**گستره توزیع:** سراسری**شرکت توزیع:** نشر گستر

## کسی دل و دماغ کتابخوانی ندارد

این موضوع گذاشته، گرانی بیش از حد کتاب است؛ آن هم در شرایطی که کتاب و کتابخوانی خیلی مهجور و درگیر موضوعات جنسی است. البته چند سالی می‌شود که ناشران مدیر انتشارات آفتابکاران، در گفت‌وگو با ایسنا، درباره تأثیر تکنرخی شدن ارز و به تبع آن حذف ارز ترجیحی کافدز بر نشر کتاب در کشورمان، گفت: «تأثیر منفی‌ای که

او با اشاره به در پیش بودن نمایشگاه کتاب تهران، افزود: «خیلی از ناشران عملا کار جدیدی منتشر نمی‌کنند. جایی که اطلاع دارم ترجیح ناشران این است که هزینه‌ها را کاهش داده و سراغ کتاب‌هایی بروند که قصد تجدید چاپشان را دارند.»



## بی میلی کسب و کارها به کریپتو

مرتیضی اکبری - آیا ریزش اخیر بیت کوین می‌تواند نقطه بازنگری شرکت‌های بورسی در استراتژی انباشت رمزارز باشد؟ بازار رمزارزها در اوایل سال ۲۰۲۴ وارد یکی از چالش‌برانگیزترین دوره‌های خود شده است.

در دوره‌های صعودی بازار، ارزش سهام Strategy در مقاطعی چندین برابر ارزش خالص بیت‌کوین‌های نگهداری‌شده در ترازنامه این شرکت شده و وضعیتی که این مدل را به الگویی جذاب و حتی الهام‌بخش برای مدیران سایر شرکت‌ها تبدیل کرد. این عملکرد، در کنار فضای مثبت سیاسی و وعده‌های دونالد ترامپ برای حمایت از صنعت رمزارز، از جمله طرح ایجاد ذخیره استراتژیک ملی بیت‌کوین، به‌عنوان محرک جدی برای گسترش این رویکرد عمل کرد.

در نتیجه، طی سال‌های بعد، شرکت‌های متعددی در ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن و حتی برخی بازارهای نوظهور، بیت‌کوین را به‌عنوان «طلای دیجیتال» وارد ترازنامه‌های خود کردند؛ تصمیمی که در آن زمان به‌عنوان راهبردی نوآورانه برای حفظ ارزش دارایی‌ها و بهره‌گیری از رشد بلندمدت بازار کریپتو تلقی می‌شد، اما امروز در پرتو نوسانات شدید قیمتی، بیش از هر زمان دیگری در معرض بازنگری قرار گرفته است.

### پایان ماه عسل بیت‌کوین؟

با این حال، تحولات کلان اقتصادی به چرخشی ناگهانی در فضای بازار منجر شد. افزایش نگرانی‌ها نسبت به ارزش‌گذاری‌های بیش از حد شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی، تداوم ابهام در مسیر سیاست‌های پولی فدرال‌رزرو و به‌ویژه مطرح شدن نامزدی کوین وارث به‌عنوان رئیس بعدی این نهاد، موجی از خروج سرمایه از دارایی‌های پرریسک را رقم زد. وارث که به‌عنوان سیاستگذاری محافظه‌کار شناخته می‌شود، احتمالا رویکردی متمایل به کوچک‌سازی ترازنامه فدرال‌رزرو را در پیش خواهد گرفت؛ سیاستی که در تجربه‌های پیشین، معمولا فشار نزولی قابل‌توجهی بر بازار رمزارزها وارد کرده است.

در این فضا، بیت‌کوین از ابتدای سال ۲۰۲۴ نزدیک به ۲۰ درصد افت قیمت را تجربه کرد و عملا تمام دستاوردهای خود پس از انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ را از دست داد. قیمت این رمزارز به زیر مرز روانی ۷۰ هزار دلار سقوط کرد و در برخی معاملات به محدوده ۶۵ تا ۶۷ هزار دلار رسید؛ سطحی که پایین‌ترین قیمت از اواخر سال ۲۰۲۴ محسوب می‌شود. هم‌زمان، سهام شرکت Strategy، به‌عنوان نماد شاخصی این مدل کسب‌وکار، افتی چشم‌گیر را تجربه کرد. قیمت این سهم از اوج ۴۵۷ دلار در تابستان ۲۰۲۵

به کف حدود ۱۱۱ دلار در اوایل فوریه ۲۰۲۶ کاهش یافت و تنها در روز پنجشنبه گذشته، بیش از ۱۱ درصد افت را ثبت کرد. این فشار قیمتی در گزارش‌های مالی اخیر شرکت نیز بازتاب یافت؛ به‌طوری‌که پیش‌بینی سود سال ۲۰۲۵ به‌طور قابل‌توجهی تعدیل شد و از سود خالص برآوردی ۲۴میلیارد دلار به بازهای میان ۶.۳میلیارد دلار سود تا ۵.۵میلیارد دلار زیان تغییر کرد.

در واکنش به این تحولات و با هدف حفظ اعتماد سهامداران، Strategy از برنامه ایجاد یک ذخیره مالی ویژه برای پشتیبانی از پرداخت سود سهام خبر داد؛ اقدامی که بیش از هر چیز، بیانگر افزایش سطح ریسک و شکنندگی این استراتژی در شرایط جدید بازار است.

### تسلیم بازار کریپتو در مقیاس جهانی

این فشار محدود به بازار ایالات متحده نماند و به‌سرعت به سایر بازارهای مالی نیز سرایت کرد. سهام شرکت Smarter Web Company در بورس لندن نزدیک به ۱۸ درصد سقوط کرد و در میان آسیب‌پذیرترین نمادها قرار گرفت. هم‌زمان، سهام Nakamoto Inc در بازار آمریکا حدود ۹ درصد و شرکت Metaplanet در بورس توکیو بیش از ۷ درصد کاهش یافت؛ نشانه‌ای از ماهیت فراگیر شوک واردشده به شرکت‌هایی که استراتژی مبتنی بر بیت‌کوین را دنبال می‌کنند. در این میان، تحلیل‌گرانی از جمله نیک پاکرین از انفرنم Coin Bureau تاکید دارند که ریزش اخیر را نمی‌توان صرفا یک اصلاح کوتاه‌مدت تلقی کرد. به‌گفته آنان، بازار وارد فاز کامل «تسلیم» (Capitulation) شده است؛ مرحله‌ای که در چرخه‌های پیشین بازار کریپتو معمولا چندین ماه به طول انجامیده و با خروج بازیگران ضعیف‌تر، کاهش اهرم‌های پرریسک و در نهایت، شکل‌گیری پایه‌های جدید برای چرخه بعدی همراه بوده است.

### اثر دومینو

شرکت‌های موسوم به «خزانه‌دار دارایی دیجیتال» (Digital Asset Treasury – DAT) صرفا به انباشت بیت‌کوین محدود نمانده و طی سال‌های اخیر، توکن‌های دیگری را نیز به ترازنامه‌های خود افزودند. این شرکت‌ها با فراهم‌کردن دسترسی غیرمستقیم به بازار رمزارزها از طریق سهام بورسی، به گزینه‌ای جذاب برای سرمایه‌گذاران نهادی و ریسک‌گریز تبدیل شدند؛ چرا که امکان اهرم‌سازی بازدهی باقوه رمزارزها را بدون درگیر شدن با چالش‌های نگهداری مستقیم دارایی دیجیتال فراهم می‌کردند. با این حال، تداوم فشار نزولی بر قیمت سهام این شرکت‌ها اکنون توانایی آنها برای جذب سرمایه جدید و ادامه استراتژی انباشت دارایی‌های دیجیتال را با تردید جدی مواجه کرده است. افت ارزش بازار، افزایش هزینه تامین مالی و کاهش اشتیاق سرمایه‌گذاران، عملا موتور رشد این مدل را کند کرده است. نمونه‌های اخیر این روند شامل شرکت Sigma & Alt، انباشت‌کننده توکن WLFI وابسته به خانواده ترامپ، با افت ۸۴ درصدی قیمت سهام، SharpLink Gaming، به‌عنوان دارنده اثر با کاهش نزدیک به ۸ درصد و Forward Industries، دارنده سولانا، با افت حدود ۶ درصدی است. این تحولات نشان می‌دهد که سقوط بیت‌کوین تنها به خود این رمزارز محدود نمی‌شود و اثرات زنجیره‌ای آن کل اکوسیستم کریپتو را دربرمی‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که شرکت‌هایی با تمرکز محدودتر و تنوع کمتر در دارایی‌های دیجیتال، در برابر شوک‌های بازار آسیب‌پذیرتر ظاهر می‌شوند.

### رمزارزها در تقاطع سیاست و واقعیت

علاوه بر نامزدی کوین وارث برای ریاست فدرال‌رزرو، عوامل کلان اقتصادی دیگری نیز در فشار اخیر بازار کریپتو نقش داشته‌اند. نگرانی‌ها از تورم پایدار، کاهش ارزش‌گذاری‌های بخش هوش مصنوعی و خروج سرمایه از صندوق‌های ETF بیت‌کوین، همگی موجب افزایش فشار فروش شده‌اند. در این میان، وعده‌های دونالد ترامپ در کمپین خود برای حمایت از صنعت رمزارز، از جمله پشتیبانی از ماینینگ داخلی و کاهش مقررات، باعث ایجاد فضای مثبت کوتاه‌مدت شد، اما واقعیت‌های اقتصادی سخت‌تری اکنون بازار را تحت تأثیر قرار داده‌اند. سرمایه‌گذاران به دارایی‌های کم‌ریسک‌تر مانند طلا و اوراق خزانه روی آورده‌اند و این جایه‌جایی جریان سرمایه، فشار فروش در بازار کریپتو را تشدید کرده است.

### آزمون سرنوشت‌ساز بیت‌کوین

این دوره نزولی، آزمون جدی برای مدل «نگهداری ابدی بیت‌کوین» است. موفقیت شرکت‌های DAT به توانایی مدیریت ریسک، زمان‌بندی هوشمند خرید و انعطاف‌پذیری در شرایط متغیر وابسته است. نوسانات شدید می‌تواند ارزش سهام را حتی بیشتر از خود رمزارز کاهش دهد و چالش‌های تامین مالی ایجاد کند.

برخی مدیران در پاسخ به این فشار، به دنبال تنوع‌بخشی محدود به دارایی‌های پایدارتر، تقویت عملیات اصلی، استفاده از ابزارهای پوشش ریسک و بازخرید سهام برای حمایت از قیمت هستند. با وجود مسیر نسبتا امن ورود به بازار کریپتو، وابستگی بیش از حد به بیت‌کوین، شرکت‌ها را در برابر چرخه‌های نزولی آسیب‌پذیر کرده است.

این بحران احتمالا بازنگری اساسی در استراتژی‌های بلندمدت ایجاد خواهد کرد؛ کاهش اهرم مالی، تقویت ترازنامه و تمرکز بر نقدینگی، کلید بقا و موفقیت در چرخه‌های آینده است. سقوط فعلی بیت‌کوین فراتر از اصلاح ساده قیمتی است و زنگ خطری جدی برای شرکت‌هایی که استراتژی خود را بر پایه دارایی پرتوسان بنا کرده‌اند، به شمار می‌رود.

## خبره‌تر از کارشناس در ۴۴ شغل

تحلیل گزارش‌های مالی، نوشتن و رفع اشکال کدهای برنامه‌نویسی و تهیه برنامه‌های درسی و آموزش در رشته‌های مختلف را با کیفیت مناسبی انجام دهد. ادعای اینکه چت‌جی‌بی‌تی می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها با متخصصان انسانی رقابت کند؛ احتمالا بخش‌های جاری درباره خودکارسازی، جایگزینی شغل‌ها و نقش هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری‌های حساس را تشدید کند. طرفداران این فناوری فرصت‌هایی برای افزایش کارایی و دموکراتیزه شدن دانش می‌بینند که به افراد و کسب‌وکارهای کوچک امکان دسترسی به تخصص را با هزینه‌ای بسیار کمتر می‌دهد.

### عکس نوشت



### کارتون



**هفته بازدهم**  
**لیگ برتر**  
**هندبال ایران؛**  
**سایپا - مس**

### چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر - روز دهم

### مورود به جهان بدون گذرواژه

طی دهه‌های گذشته گذرواژه‌ها همواره نقش ضعف اصلی در امنیت دیجیتال بوده‌اند. گذرواژه‌های کوتاه، ساده یا تکراری میلیاردها کاربر را در معرض هک و نفوذ قرار داده‌اند. حالا اپل و گوگل روی جایگزینی نو سرمایه‌گذاری کرده‌اند، یعنی «کلیدهای عبور» یا Passkeys، فناوری‌ای که قرار است ورود به حساب‌ها را هم امن‌تر و هم ساده‌تر کند بدون آن که لازم باشد حتی یک گذرواژه را به خاطر بسپارید.

«کلیدهای عبور» چگونه کار می‌کنند؟ بر اساس آنچه مجله اپل مگزین نوشته است، کلیدهای عبور بر پایه استاندارد WebAuth ساخته شده‌اند و به‌جای گذرواژه‌های تایپ شده از کلیدهای رمزنگاری‌شده استفاده می‌کنند که به‌صورت ایمن روی دستگاه شما ذخیره می‌شوند. هنگام ورود به یک حساب با کلید عبور، تلفن یا رایانه شما یک امضای دیجیتال منحصربه‌فرد تولید می‌کند تا هویت شما را تایید کند. در این فرآیند وب‌سایت هرگز به کلید واقعی شما دسترسی ندارد؛ بنابراین چیزی وجود ندارد که در حملات و نشت‌های اطلاعاتی سنتی قابل سرقت باشد. به‌جای وارد کردن گذرواژه کافی است دستگاه خود را با Face ID یا Touch ID یا رمز عبور سیستم‌تان باز کنید. در کامپیوتر نیز می‌توانید ورود را از طریق تلفن همراه‌تان تایید کنید. به این ترتیب داده‌های بیومتریک شما هرگز از دستگاه خارج نمی‌شود و فرآیند احراز هویت به‌طور نامحسوس در پس‌زمینه انجام می‌گیرد. پذیرش توسط اپل و گوگل

اپل و گوگل در سال ۲۰۲۵ به‌طور گسترده از «کلیدهای عبور» پشتیبانی کرده‌اند. در آن‌فون، آپید و مک‌هایی که از iOS ۱۶ به بعد استفاده می‌کنند، مرورگر Safari هنگام ثبت‌نام در سرویس‌ها از شما می‌خواهد یک کلید عبور ایجاد کنید. در سوی دیگر گوگل کلیدهای عبور را به‌عنوان روش پیش‌فرض ورود به تمام حساب‌های کاربری خود معرفی کرده و عملا اعلان‌های سنتی گذرواژه را کنار گذاشته است. کلیدهای عبور میان دستگاه‌ها همگام‌سازی می‌شوند؛ از طریق iCloud Keychain در محصولات اپل، Google Password Manager در دستگاه‌های اندروید و مرورگر کروم. به این معنا که اگر یک کلید عبور را در آن‌فون خود ثبت کنید، می‌توانید با همان کلید در مک‌بوک یا حتی کامپیوتر ویندوزی‌تان نیز با استفاده از کد QR یا بلوتوث برای تایید از طریق تلفن همراه، وارد شوید.

چرا کلیدهای عبور بهتر از گذرواژه‌ها هستند؟

گذرواژه‌ها ممکن است حدس زده شوند، در حملات فیشینگ به سرقت بروند یا در نشت‌های اطلاعاتی افشا شوند. اما کلیدهای عبور این خطرات را از بین می‌برند، زیرا در برابر فیشینگ مقاومت‌اند و به دستگاه شما گره خورده‌اند. حتی اگر یک هکر شما را فریب دهد تا وارد وب‌سایتی جعلی شوید، کلید عبور شما در آنجا عمل نخواهد کرد، چون فرآیند رمزنگاری تنها در دامنه اصلی و معتبر فعال می‌شود.

علاوه بر این استفاده از کلید عبور بسیار سریع‌تر است. دیگر نیازی به تایپ رشته‌های طولانی و پیچیده از حروف و اعداد یا استفاده از مدیران گذرواژه نیست. کافی است نگاهی به گوشی اپن‌آپ‌تاید یا حسگر اثرانگشت را لمس کنید و وارد حساب شوید.

چالش‌های پیش‌رو بزرگ‌ترین مانع در مسیر کلیدهای عبور میزان پذیرش و گسترش آن‌هاست. هرچند اپل و گوگل به‌طور کامل به این فناوری روی آورده‌اند، اما هنوز همه وب‌سایت‌ها و سرویس‌ها از آن پشتیبانی نمی‌کنند. بسیاری از شرکت‌ها در حال به‌روزرسانی سامانه‌های احراز هویت خود برای سازگاری با این استاندارد جدید هستند. در نتیجه فعلا بیشتر کاربران باید ترکیبی از کلیدهای عبور و گذرواژه‌های سنتی را مدیریت کنند.

موضوع اعتماد نیز مطرح است. برخی کاربران نگران‌اند اگر دستگاه خود را از دست بدهند، دیگر به حساب‌هایشان دسترسی نداشته باشند. اپل و گوگل می‌گویند کلیدهای عبور از طریق حساب‌های ابری و دستگاه‌های مورد اعتماد قابل بازیابی‌اند، اما منتقدان یادآور می‌شوند که این موضوع همچنان نیازمند اعتماد کامل به اکوسیستم شرکت‌های بزرگ فناوری است.

نگاهی به آینده‌ای بدون گذرواژه با وجود چالش‌ها روند حرکت به‌سوی حذف گذرواژه‌ها شتاب گرفته است. شرکت‌های بزرگی مانند مایکروسافت، پی‌پل، اوپن و ebay تاکنون فناوری «کلید عبور» را پذیرفته‌اند و تحلیلگرانی صنعت پیش‌بینی می‌کنند طی پنج سال آینده این فناوری جایگزین گذرواژه‌ها در بیشتر حساب‌های کاربری شود.

برای اپل و گوگل ماجرا ساده است؛ با حذف دردها و ناامنی‌های گذرواژه‌ها می‌توانند اکوسیستم‌های خود را امن‌تر، منسجم‌تر و برای کاربران جذاب‌تر کنند؛ به‌طوری‌که ترک آنها دشوارتر شود. برای کاربران نیز این تغییر به معنای آینده‌ای است که ورود به حساب‌ها تنها به اندازه یک نگاه به تلفن همراه زمان می‌برد.